



Effects of Earthquake on Rural Micro Businesses (Case Study: Dena County)

Vahid Riahi¹, Enayat Allah Moshfeghnejadi²

1. Associate Professor in Geography and Rural Planning, University of Kharazmi, Tehran, Iran
2. PhD Candidate in Geography and Rural planning, University of Kharazmi, Tehran, Iran (Corresponding Author).

Abstract

Background and objective: Earthquake as a natural hazard has effects and consequences that can be examined from two dimensions of losses and damages. As a country with a high seismic zoning, Iran suffers from earthquake losses and damages almost every year. The aim of this study was to identify the factors affecting the damage of rural micro-businesses from the earthquake in Dena county.

Method: The study method in this research is based on qualitative method (grounded theory). The information required for this study was collected through semi-structured interviews. The study population consists of small and local business activists affected by the earthquake in Dena city. Preliminary estimates show that 366 rural businesses were directly and indirectly affected by the earthquake. The sample population was determined to extract the categories purposefully and based on the snowball method until the theoretical saturation of the interview with 22 people was reached.

Findings: The results were extracted in three stages of open coding, axial coding and selective. In the data extraction stage, 34 concepts were identified in the form of 4 main categories. According to the results, the category of managerial and economic factors has 9 concepts, the category of regulatory and executive factors has 9 concepts, the category of individual and organizational factors has 11 concepts and the category of infrastructure factors has 6 concepts. Among the extracted categories, the categories of individual and organizational factors and managerial and economic factors have more impact than other categories.

Conclusion: According to the findings, the rehabilitation of damaged businesses requires the attention of the responsible organizations to the category of business at the same time as other aspects of reconstruction. The results also showed that the factors affecting the damage to rural businesses can be examined in two groups of intra-environmental and extra-environmental factors.

Keywords: Rural areas, rural businesses, small businesses, earthquake, Dena city.

► **Citation (APA 6th ed.):** Riahi V, Moshfeghnejadi E. (2022, Winter). Effects of Earthquake on Rural Micro Businesses (Case Study: Dena County). *Disaster Prevention and Management Knowledge Quarterly (DPMK)*, 11(4), 366-384.

اثرات زلزله بر کسب و کارهای خرد روستایی (مطالعه موردی: شهرستان دنا)

وحید ریاحی^۱ و عنایت اله مشفق‌نژادی^۲

۱- دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه خوارزمی کرج، البرز، ایران. riahi@khu.ac.ir

۲- دانشجوی دکترا جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه خوارزمی کرج، البرز، ایران (نویسنده مسئول). menait@yahoo.com

چکیده

زمینه و هدف: زلزله به عنوان یک مخاطره طبیعی دارای اثرات و پیامدهایی است که از دو بُعد تلفات و خسارات قابل بررسی است. ایران به عنوان کشوری با پهنه‌بندی لرزه‌خیزی بالا تقریباً همه ساله دارای تلفات و خساراتی از زلزله می‌باشد. این تحقیق با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر آسیب‌های کسب و کار خرد روستایی از زلزله در شهرستان دنا ارائه شده است.

روش: روش انجام مطالعه در این پژوهش، مبتنی بر روش کیفی (گراندد تئوری) می‌باشد. اطلاعات مورد نیاز در این تحقیق از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته جمع‌آوری شده است. جامعه مورد مطالعه را فعالان کسب و کارهای خرد و محلی آسیب دیده از زلزله شهرستان دنا تشکیل می‌دهند. برآوردهای اولیه نشان می‌دهد ۳۶۶ کسب و کار روستایی به دو صورت مستقیم و غیر مستقیم تحت تأثیر زلزله قرار گرفته‌اند. جامعه نمونه پژوهش برای استخراج مقوله‌ها به صورت هدفمند و مبتنی بر روش گلوله برفی تا رسیدن به اشباع نظری مصاحبه با ۲۲ نفر تعیین گردید.

یافته‌ها: نتایج به دست آمده طی سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و انتخابی استخراج شدند. در مرحله استخراج داده‌ها ۳۴ مفهوم در قالب ۴ مقوله عمده شناسایی گردید. بر اساس نتایج به دست آمده، مقوله عوامل مدیریتی و اقتصادی دارای ۹ مفهوم، مقوله عوامل نظارتی و اجرایی ۹ مفهوم، مقوله عوامل فردی و سازمانی ۱۱ مفهوم و مقوله عوامل زیرساختی ۶ مفهوم هستند. در بین مقوله‌های استخراج شده مقوله‌های عوامل فردی و سازمانی و عوامل مدیریتی و اقتصادی نسبت به سایر مقوله‌ها از تأثیر بیشتری برخوردار می‌باشند.

نتیجه‌گیری: براساس یافته‌ها، احیای کسب و کارهای آسیب‌دیده، نیازمند توجه سازمان‌های متولی به مقوله کسب و کار، هم‌زمان با سایر ابعاد بازسازی است. همچنین نتایج نشان داد که عوامل مؤثر بر آسیب به کسب و کارهای روستایی در دو گروه عوامل درون محیطی و برون محیطی قابل بررسی هستند.

کلیدواژه‌ها: روستایی، کسب و کارهای روستایی، کسب و کار خرد، زلزله، شهرستان دنا.

◀ **استناد فارسی (شیوه APA ویرایش ششم ۲۰۱۰):** ریاحی، وحید؛ مشفق‌نژادی، عنایت اله. (زمستان، ۱۴۰۰). اثرات زلزله بر کسب و کارهای خرد روستایی (مطالعه موردی: شهرستان دنا). *فصلنامه دانش پیشگیری و مدیریت بحران*. ۱۱ (۴)، ۳۶۶-۳۸۴.

مقدمه

همچون میزان آسیب به زیرساخت‌ها، میزان سطح آسیب دیدگی، توانایی استفاده از منابع پس از فاجعه و توانایی حضور کارکنان پس از وقوع تعیین می‌گردد (اورهان^۴، ۲۰۱۴). از آنجا که تخریب منابع درآمدی، تخریب امکانات زیستی و مراکز فعالیت، آسیب رسیدن به خانه‌ها، کارگاه‌ها، مزارع و مکان‌های کسب و کار، خود به خود منجر به افزایش آسیب‌های اقتصادی و فیزیکی می‌گردد (پورطاهری، سجاسی قیداری و صادقلو، ۱۳۹۰)؛ لذا بسیاری از پژوهشگران معتقدند، به ویژه در سکونتگاه‌های روستایی، اغلب، مسکن مهم‌ترین نیاز نبوده است، و عوامل دیگری مانند کسب و کار، اشتغال و وجود زمین‌های کشاورزی، در امر بازتوانی حائز اهمیت می‌باشد. بنابراین بهتر است به جای تهیه مسکن موقت از طرف مسئولین، اولویت به بازتوانی اقتصادی داده شود؛ چرا که اغلب مردم در این سکونتگاه‌ها، تجربه ساخت سرپناه برای خود را دارند و می‌توانند اقدام به ساخت سرپناه موقت نمایند. در نتیجه، توجه به از سرگیری شغل و معیشت مردم در اولویت می‌باشد (اداره هماهنگی امداد سوانح سازمان ملل متحد، ۱۳۶۶). بنابراین، احیاء و بازسازی یک منطقه سانحه دیده تنها از طریق احیای کالبدی آن میسر نیست و نیازمند احیای اقتصاد و معیشت ساکنان آن به کمک برنامه‌ریزی است. منطقه‌ای که تنها از نظر کالبدی تاب‌آوری مناسبی دارد، لزوماً در برابر سوانح تاب‌آور نخواهد بود، مگر اینکه روابط و کنش‌های مطلوبی در حوزه اجتماعی و فرهنگی میان ساکنین آن باشد و همچنین از بُعد ویژگی‌های اقتصادی خود نیز، به میزان مناسبی متعادل باشد (زرگر، اهری و رازقی، ۱۳۹۴).

تجربه زلزله در ایران ثابت کرده است که معمولاً زلزله در مناطق محروم و کمتر توسعه‌یافته همواره با آسیب‌رسانی به منابع کسب و کار مردم همراه بوده است. در رابطه با این بحث، در تاریخ ۲۹ بهمن‌ماه ۱۳۹۹ زلزله‌ای با ۵/۶ ریشتر در ۱۱ کیلومتری شهر سی سخت، در ۳۵ کیلومتری شمال غربی شهر یاسوج استان کهگیلویه و بویراحمد رخ داد. گسل‌های اصلی در منطقه زمین‌لرزه سی سخت شامل گسل دنا، گسل زاگرس مرتفع، گسل سیوک و گسل کوهنه می‌باشد. بر اساس گزارش ارائه شده

یکی از موضوعاتی که بیشتر شهرهای جهان با آن دست به گریبانند، سوانح طبیعی می‌باشد (خمر و رخشانی، ۱۳۹۴). مروری بر آمار خسارات ناشی از سوانح طبیعی طی یکی دو دهه اخیر در نقاط مختلف دنیا حاکی از روند افزایشی این خسارات و عواقب اقتصادی آن‌هاست. آثار زلزله‌های دهه‌های اخیر بیانگر این است که به طور متوسط هر پنج سال یک‌بار، یک زلزله با صدمات جانی و مالی بالا در کشور رخ داده و آثار اقتصادی-اجتماعی بلندمدتی را بر جای گذاشته است. اگرچه جلوگیری کامل از تلفات و خسارات ناشی از زلزله‌های شدید در حال حاضر، امکان‌پذیر نیست؛ لیکن با استفاده از تمهیدات مدیریت بحران و تهیه، تنظیم و به‌کارگیری برنامه‌های پیش‌گیرانه، می‌توان اثرات زمین‌لرزه‌ها را تا حد زیادی کاهش داد (امینی و پیشنمازی، ۱۳۸۹). غالباً زیان اقتصادی عامل تعیین‌کننده‌ای است که رویدادی را حادثه و بلا بنامیم یا فاجعه‌ای بزرگ. توجه صرف به مقدار پول صرف شده برای این سوانح کافی نیست، با این حال هزینه‌های بلایای طبیعی در کشورهای فقیر اغلب بالغ بر سه تا چهار درصد از درآمد خالص ملی آن‌ها می‌شود (برک^۱، ۱۹۹۵؛ به نقل از عسگری، ۱۳۸۲). پس از یک فاجعه ممکن است کسب و کارها بیشتر از آسیب‌های فیزیکی رنج ببرند و این عامل موجب وقفه و اختلال در کسب و کارها خواهد شد و به مراتب به افراد زلزله‌زده بیش از پیش فشار وارد می‌شود (دالهامر و تیرنی^۲، ۱۹۹۸). یکی از خساراتی که بعد از وقوع زلزله رخ می‌دهد، خسارتی است که به کسب و کارهای اهالی منطقه وارد می‌شود. پس از یک فاجعه ممکن است کسب و کارها بیشتر از آسیب‌های فیزیکی رنج ببرند و این عامل موجب وقفه و اختلال در کسب و کارها خواهد شد و به مراتب به افراد زلزله‌زده بیش از پیش فشار وارد می‌گردد. مشکلاتی همچون از دست رفتن نظام کسب و کار، از دست دادن مشتریان، مشکلات در تأمین مواد اولیه، مشکلات در زمینه ارائه محصولات، وقفه در ارائه خدمات و کالاهای جمله مواردی هستند که بعد از زلزله گریبان‌گیر کسب و کارها خواهد شد (تیرنی و وب^۳، ۲۰۰۱). میزان ضربات وارده بر کسب و کارها توسط عواملی

1. Berke, 1995

2. Dahlhamer & Tierney, 1998

3. Tierney & Webb, 2001

4. Orhan, 2014

و کارها نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند و بعد از زلزله بخش بزرگی از آسیب‌ها شامل موارد اقتصادی و احیاء کسب و کارها می‌باشد. به همین علت عدم توجه به مسائل اقتصادی، اشتغال و کسب و کار زلزله‌زدگان، خود منتهی به بروز و ظهور بحران‌ها و زبان‌های دیگری خواهند شد. نمی‌توان برای مردم زلزله‌زده تنها خانه‌های زیبا ساخت و از آن‌ها انتظار داشت که در این بناها با آرامش زندگی کنند. به دلیل وقوع زلزله، فضای زندگی معیشتی و اقتصادی مردم زلزله‌زده دگرگون شده و این دگرگونی‌ها پیامدهایی در پی خواهد داشت. لیکن با عنایت به موارد مذکور، در پژوهش حاضر تمرکز بر این موضوع خواهد بود که ابتدا وضعیت موجود کسب و کارها در سکونتگاه‌ها زلزله‌زده شهرستان دنا و سپس، میزان اثرگذاری وقوع زلزله بر کسب و کارها در این سکونتگاه‌ها بررسی می‌گردد و عوامل مؤثر بر آسیب‌های کسب و کار خرد روستایی در این منطقه تعیین می‌شوند. در نهایت، این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤالات است که:

۱. وضع موجود کسب و کارهای روستایی در روستاهای زلزله‌زده شهرستان دنا پس از وقوع زلزله چگونه است؟
۲. عوامل مؤثر بر آسیب‌های کسب و کار خرد روستایی در سکونتگاه‌های زلزله‌زده شهرستان دنا کدامند؟

مبانی نظری

بر اساس برنامه‌ی راهبردی بین‌المللی کاهش بلایای سازمان ملل، همه مخاطرات و سوانح دو منشأ اصلی دارند؛ ۱. مخاطرات طبیعی؛ و ۲. مخاطرات ناشی از فناوری یا فعالیت انسانی (سادی، میرزاعلی و کوثری، ۱۳۹۶). اما سوانح فارغ از نوع طبقه‌بندی، نیازمند مدیریت می‌باشند. بلایای طبیعی و پیامدهای ناشی از آن‌ها در جهان حذف شدنی نیستند و همیشه احتمال رخ داد آن‌ها وجود دارد (غفوری، ۲۰۰۵). در این بین یکی از مهم‌ترین و حائز اهمیت‌ترین بلایای طبیعی در سراسر کره زمین، زلزله است (شمس، معصوم‌پور سماکوش، سعیدی و شهبازی، ۱۳۹۰). میلیتی^۱ (۱۹۹۹) اذعان می‌دارد: مدیریت بحران فرایندی است مداوم که از طریق آن افراد، گروه‌ها و جوامع در تلاش هستند تا از خطرات و آسیب‌های ناشی

توسط مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی، گسل دنا از سامانه گسلی زاگرس مرتفع موجب رخداد این زلزله شده است. براساس گزارش‌های اولیه خسارت‌هایی به حداقل ۱۲۱ روستا وارد کرده است و تعداد مصدومان این زلزله تا زمان تنظیم گزارش ۶۳ نفر اعلام شده است و در مجموع حدود ۱۴ هزار نفر تحت تأثیر این زلزله قرار گرفتند. در این زمین‌لرزه علاوه بر وارد شدن آسیب به ساختمان‌های شهری و روستایی (برخی منازل ۱۰۰ درصد تخریب و غیر قابل سکونت شده‌اند)، خسارت‌هایی نیز به کسب و کارهای مرتبط با کشاورزی (خسارت به آغل و محل نگهداری دام، گلخانه‌ها، اراضی باغی و زراعی، تخریب مزارع پرورش ماهی و خطوط انتقال آب) وارد شده است این موضوع از آنجایی که بیشتر ساکنین به یکی از مشاغل مرتبط با کشاورزی اشتغال دارند حائز اهمیت است. همچنین براساس مشاهدات میدانی، برخی از کسب و کارها همچون واحدهای بهره‌برداری کوچک، مغازه‌ها و مشاغل خدماتی دیگر دچار آسیب و خسارت شدند. بر اساس برآوردهای انجام شده این زلزله حدود ۳۶۶ کسب و کار را به دو صورت مستقیم (آسیب و خسارت به مکان، تجهیزات، زیرساخت‌های حمل و نقل، صاحب کسب و کار و غیره) و غیر مستقیم (وقفه در ارائه تولیدات، کاهش ارزش دارایی‌ها، وقفه در زنجیره عرضه ارزش و تأمین و غیره) تحت تأثیر قرار داده است. آسیب‌های وارد شده به ساختمان‌ها در این زمین‌لرزه، مشابه با آسیب‌های متداول در زلزله‌های گذشته نظیر زلزله سرپل ذهاب، ورزقان، بم و بوده است. با توجه به شتاب بالای زلزله، عمده آسیب‌ها مربوط به ضعف سازه‌ای در دیوارها و میانقاب‌ها می‌باشد (پژوهشکده سوانح طبیعی، ۱۳۹۹: صص ۶-۱). بر این اساس، ضرورت انجام پژوهش در این زمینه به شدت احساس می‌شود. مطالعات مختلف حکایت از این دارند که کسب و کارهای کوچک در برابر بلایای طبیعی از جمله زلزله بیشتر آسیب‌پذیر هستند و دستخوش مشکلات می‌شوند. این مطالعه تلاش می‌کند تا این شکاف را پر کند. شایان ذکر است نه تنها در محدوده مورد مطالعه، بلکه حتی در کل کشور هم به نظر می‌رسد تاکنون مطالعه جامعی در خصوص شناسایی عوامل مؤثر بر آسیب‌های کسب و کار روستایی آسیب دیده از زلزله انجام نشده است. این در حالی است که مسائل اقتصادی، اشتغال و احیاء کسب

باطل و معیوبی فرو می‌رود، به طوری که در کشور ایران با سابقه چند هزارساله زمین‌لرزه‌های سهمگین و مخرب، ساکنین در برابر زلزله و سایر خطرات، ناتوان و عاجز نمایان می‌شوند. با آن ساختار مزمین تاریخی، جامعه مدنی بسیار ضعیفی نیز شکل گرفته است که متأسفانه اغلب همان نگاه از بالا به پایین را به آسیب‌دیدگان حوادث دارد و باز همان خطاهای تکراری را باز تولید می‌کند. از پیامدهای این چرخه باطل و فقیر، بی‌توجهی و کم‌توجهی شدید به مسأله شغل آسیب‌دیدگان می‌باشد؛ یعنی اینکه آسیب‌دیدگان هم‌زمان با نیاز به خوراک، پوشاک و مسکن به شغل هم نیاز دارند. پس از وقوع بحران به دلیل تاب‌آوری پایین سیستم، با مهاجرت سرمایه‌داران و سرمایه‌گذاران محلی از منطقه و تمایل نداشتن دیگر سرمایه‌گذاران به سرمایه‌گذاری در منطقه، بیش از پیش همه جنبه‌های مسأله نمایان می‌گردد و چهره‌ای نامتوازن و نامناسب را به نمایش می‌گذارد (ایرانمنش، ۱۳۹۶؛ به نقل از رنایی، ۱۳۹۶).

کسب و کار کوچک^۲: کسب و کار کوچک (SEs) کسب و کاری است؛ غالباً متعلق به بخش خصوصی با تعداد شاغلین محدود و فروش تولیدات نسبتاً اندک. مفهوم کوچک در این تعریف در حال تغییر است و به نوع فعالیت یا کشور مورد بررسی بستگی دارد (طاهرخانی، ۱۳۸۰). این رقم از کم‌تر از ۸ نفر در کشور چین تا ۵۰۰ نفر شاغل، در کشور آمریکا متغیر است. در آلمان، کسب و کارهای کمتر از ۱۵ نفر پرسنل، کوچک محسوب می‌شوند. در ایران نیز، کسب‌وکارهایی که تعداد ۹ نفر یا کم‌تر نیروی انسانی دارند، کسب‌وکارهای کوچک تلقی می‌شوند. البته در تعریف مشاغل کوچک، علاوه بر تعداد کارکنان، شاخص‌های دیگری چون فروش سالانه، گردش مالی، ارزش دارایی و سود خالص ترازنامه و به‌ویژه حجم سرمایه‌گذاری اهمیت بسیار دارد (کلانتری، ۱۳۷۵). در شرایط کنونی کسب و کارهای کوچک به عنوان تسریع‌کنندگان توسعه اقتصادی-اجتماعی و سیاسی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه شناخته می‌شوند (گبرو^۳، ۲۰۰۹). کسب و کارهای کوچک نقش مهمی در اقتصاد کشورهای مختلف جهان بر عهده دارند. برای نمونه در هند بیشتر از ۲۹ میلیون کسب و کار کوچک وجود دارد که ۶۹ میلیون نفر شاغل را در خود جای

از وقایع خطرناک جلوگیری نمایند و یا آن را به حداقل برسانند و یا در برابر آن بحران، خود را بازسازی نمایند. فرایند مدیریت بحران به چهار مرحله آمادگی برای بحران، مقابله با بحران، بازسازی و کاهش خطر تقسیم می‌گردد. کاهش خطر شامل اقداماتی است که در جهت کاهش ریسک ناشی از حادثه‌ای خاص و نیز کاهش آسیب‌پذیر بودن جامعه در برابر آن تمرکز دارد و آمادگی شامل اقداماتی است که موجب افزایش کارایی پاسخ جامعه به رخداد سانحه می‌گردد. پاسخ و بازسازی به زمان پس از وقوع سانحه مربوط می‌گردد و شامل کوشش برای رفع نیازهای اساسی و بازسازی جامعه در بلندمدت می‌شود. هدف مراحل چهارگانه مدیریت بحران؛ کاهش مرگ و میر، کاهش خسارت‌های مالی و خسارات کالبدی در پیش رو، هنگام و بعد از وقوع حادثه است (محیط زیست کانادا، ۲۰۱۱).

در ساختار خاص تاریخی، سیاسی و اجتماعی جامعه ایران که دولت، سلطه شدید و فراوانی در تمامی شئون زندگی مردم دارد، کلیه سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات، از بالا به پایین صورت می‌گیرد. این پدیده در مدیریت بحران‌ها نیز تجلی یافته است، به‌طوری که در شرایط اضطراری، دولت می‌کوشد، همه کارها را یک طرفه و بدون مشارکت مردم انجام دهد. این رویکرد یک‌سویه، دهه‌هاست که ناکارآمدی خود را در جهان به اثبات رسانده است و اکنون رویکرد «مدیریت فاجعه مبتنی بر جماعت محلی»، در دنیا پذیرفته شده است؛ چرا که رویکرد سنتی مدیریت بحران، با چالش‌های فراوان و حادی روبرو می‌باشد از جمله:

- نگاه آسیب‌محوری و پسا حادثه‌ای به مدیریت بحران (عدم توجه به دو مرحله پیشگیری و آماده‌سازی پیش از بحران و دو مرحله امداد و نجات و بازسازی و بازتوانی پس از بحران)؛
- نگاه از بالا به پایین و دستوری در برنامه‌های مدیریت بحران و عدم مشارکت آسیب‌دیدگان در فرآیندهای مدیریت بحران؛
- عبرت نگرفتن از تجارب به دست آمده در نتیجه عدم ارزیابی عملکردها؛
- عدم توجه به تجربه‌های دیگران و کم توجهی به علم مدیریت بحران؛

در نتیجه چالش‌هایی که بیان شد مدیریت بحران در چرخه

2. Small Enterprise

3. Gebru, 2009

1. Environment Canada (EC), 2011

داده‌اند. سهم و نقش بالای بنگاه‌های خرد فقط مخصوص اقتصادهای درحال توسعه و کمتر توسعه‌یافته نیست. گزارش‌های منتشر شده برای کشور انگلستان نشان می‌دهد که کسب و کارهای خرد، بیشتر از ۹۱/۸ درصد از کسب و کارهای غیرمالی را در کشورهای اتحادیه اروپا تشکیل می‌دهند. در انگلستان از هر ۵ کسب و کار، ۴ کسب و کار، خرد محسوب می‌شوند. همچنین در سال ۲۰۱۰ بیش از ۸۹ درصد از کسب و کارهای انگلستان را این نوع از کسب و کارها تشکیل می‌دادند (معاونت پژوهش‌های اقتصادی، ۱۳۹۵). می‌توان گفت توسعه اقتصادی هر کشوری تا حد زیادی به موفقیت کسب و کارهای کوچک و متوسط آن کشور وابسته است. در یک جمع‌بندی کلی می‌توان فعالیت این بنگاه‌ها را در چند بُعد مهم و ارزشمند تلقی کرد: در بُعد اجتماعی، بنگاه‌های کوچک و متوسط راه پیشرفت افراد را باز می‌گذارند. در بُعد سیاسی، این کسب و کارها ساختار سیاسی را اصلاح می‌کنند و از تمرکز قدرت در شهرهای بزرگ جلوگیری به عمل می‌آورند. از لحاظ اقتصادی، کسب و کارهای کوچک و متوسط از عمده عوامل ایجاد اشتغال محسوب می‌گردند. از نظر فردی نیز، کسب و کارهای خرد و متوسط زمینه‌ای برای توسعه توانایی‌های فردی و تخصصی هستند و زمینه لازم را برای آینده حرفه‌ای و شغلی فرد فراهم می‌کنند. بدین صورت کسب و کارهای کوچک سهم بسزایی را در اقتصاد مبتنی بر رقابت، انطاف‌پذیر، دانش بنیان و نیز توانایی رشد پایدار، تقویت انسجام و ایجاد اشتغال بر عهده دارند (ملاشاهی و ظریفیان، ۱۳۹۴). کارآفرینی روستایی به دنبال پیدا کردن ترکیبی درخور از منابع برای فعالیت‌های اقتصادی شامل کشاورزی و غیر کشاورزی به منظور دست یافتن به بیشترین سود ممکن است و باعث رونق تجارت و کسب و کار در مشاغل مختلف می‌گردد (خسروی‌پور و پورجاوید، ۱۳۹۶). توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط کارآفرین، ابزاری قوی برای شناخت فرصت‌هایی است که با استفاده از آن‌ها می‌توان مشکلات اشتغال، کمبود نیروی انسانی خلاق و ماهر، کاهش بهره‌وری، کاهش کیفیت تولیدات و خدمات و رکود اقتصادی را رفع کرده و رقابت را افزایش داد (امیدی، محمدی، پوراشراف و خلیلی، ۱۳۹۶). در ایران ۹۸/۴ درصد از کلیه کسب و کارها را بنگاه‌های خرد با نیروی کار بین ۱ تا ۹ نفر تشکیل می‌دهد (۹۶/۶ درصد بین ۱ تا ۵ نفر). بالا بودن نرخ

بیکاری پنهان و آشکار در مناطق روستایی در مقایسه با جامعه شهری از یک طرف و عدم وجود سرمایه‌گذاری برای توسعه صنایع بزرگ از طرف دیگر، مدیران دولتی را وادار کرده که به توسعه و گسترش کسب و کارهای کوچک در مناطق روستایی روی بیاورند. در زمانی که ایجاد اشتغال در مناطق روستایی به یک مشکل جدی تبدیل شده است، مشاغل کوچک روستایی با ایجاد شغل در زمینه فعالیت‌های کشاورزی و غیرکشاورزی و در نهایت کمک به ماندگاری جمعیت در روستاها موفق عمل کرده‌اند و به نوعی امید و سرزندگی را به جامعه روستایی تزریق نموده‌اند (نجفی و صفا، ۱۳۹۳). این موضوع با استقبال متخصصان و برنامه‌ریزان توسعه روستایی روبرو شده است، به طوری که برخی کارشناسان، گسترش کسب و کارهای خرد و خانگی در مناطق روستایی را مهمترین چاره‌جویی برای توسعه پایدار روستایی در کشورهایی که از توسعه پایدار برخوردار نیستند در نظر می‌گیرند (ولائی، کریم‌زاده و منفی‌آذر، ۱۳۹۷). توسعه و بهبود فضای کسب و کار کوچک و خرد روستایی، به منزله یک راهبرد بنیادی و توانمند می‌تواند فرایند توسعه روستایی را سرعت بخشد. از طرف دیگر می‌توان زمینه و بستر لازم را جهت ترکیب منابع، هم در درون و هم در خارج از روستا، فراهم کرده و از این طریق شرایط لازم جهت دستیابی به توسعه فردی و اجتماعی روستاییان و ابزار لازم برای توسعه اقتصادی پایدار و محیطی پایدار را برای روستاییان مهیا نمود و به دنبال آن روستا به فضایی قابل سکونت برای روستاییان تبدیل می‌گردد (سامیان، موحدی و انصاری، ۱۳۹۴). کسب و کارهای کوچک و متوسط، قاعده و زیربنای اقتصاد هر کشوری را تشکیل می‌دهند. کشورهای صنعتی توسعه یافته و در حال توسعه با تدوین سیاست‌ها و برنامه‌ریزی مناسب برای سامان‌بخشی، رفع چالش‌ها و موانع، بهبود فضای کسب و کار و فراهم نمودن زمینه لازم به منظور بهره‌گیری هر چه بیشتر از این کسب و کارها در راستای توسعه کارآفرینی، حل معضل بیکاری، افزایش ارزش افزوده و صادرات صنعتی، توسعه منطقه‌ای و کمک به بهبود توزیع درآمد در جامعه و در جهت تحقق توسعه اقتصادی و اجتماعی می‌باشند (کردوانی و شریفی، ۱۳۹۳). آژانس‌های توسعه، کسب و کارهای کوچک و خانگی روستایی را به عنوان یک نیروی محرکه قوی برای ایجاد اشتغال پایدار، مدیران سیاسی از آن به عنوان یک استراتژی اساسی برای

در حال توسعه، احتمال بیشتری دارد که در مناطق خطرناک، با امکانات نایمن کسب و کار، فقدان منابع انسانی و مالی ضروری و همچنین دانش لازم در مورد آسیب پذیری آن‌ها برای توسعه و اجرای برنامه‌های تداوم کسب و کار، قرار گیرند (گرین، میلز، گولاسیک و لوی^۴، ۲۰۰۸). علاوه بر این، به احتمال زیاد کسب و کارهای کوچک قادر به پرداخت هزینه بیمه حتی اگر به آن دسترسی داشته باشند، نمی‌باشند (یوشیدا و دیل^۵، ۲۰۰۵).

ویژگی‌های کسب و کار مانند بازار اولیه و ساختارهای مالکیت نیز ممکن است در بازآفرینی و عملیات پس از فاجعه نقش مهمی داشته باشند. هنگامی که یک بلای طبیعی رخ می‌دهد، مالکان و کسب و کارهای محلی دسترسی کمتری به ساختمان و مکان‌های لازم برای استمرار فعالیت‌هایشان دارند. در نتیجه آن‌ها در مقابل بلایای طبیعی آسیب پذیرتر می‌باشند (سیدنور، نیهم، لی، مارشال و اسچرانک^۶، ۲۰۱۷). کسب و کارهایی که عمدتاً به بازارهای غیرمحلی وابسته‌اند، کاملاً بهتر از آن‌هایی هستند که مبتنی بر بازار محلی می‌باشند؛ زیرا محصولات یا خدماتشان به دامنه گسترده‌ای از بخش‌های منطقه‌ای یا ملی وابسته است، که در این نواحی مشکلات مربوط به بلای طبیعی نسبتاً کمتر می‌باشد (وب، تیرنی و دالهامر^۷، ۲۰۰۲). به طور مشابه، احتمال این که سرمایه‌گذاری‌های مشترک و کسب و کارهای غیرمحلی، به عملیات پایدار پس از یک بلای طبیعی برسند، بیشتر است؛ زیرا آن‌ها می‌توانند به یکدیگر کمک نمایند، هنگامی که یکی از آنها دچار ضعف عملکرد می‌شود. علاوه بر این، به نظر می‌رسد تأثیر بلای طبیعی، اختلال در عرضه مواد خام، کاهش کارکنان و از دست دادن مشتریان، رابطه معناداری با توانایی بازتوانی و استمرار کسب و کار پس از بلای طبیعی داشته باشد (سیدنور نیهم، لی، مارشال و اسچرانک^۸، ۲۰۱۷). مطالعات کمی در مورد عملیات پایداری کسب و کار پس از بلایای طبیعی وجود دارند. بیشتر پژوهش‌های انجام شده در مورد عملیات کسب و کارهای پایدار می‌باشند، که بر اهمیت کسب و کارها در بهبود وضعیت توسعه و رقابت در شرایط غیرفاجعه متمرکز شده‌اند (لیو^۹، ۲۰۱۳).

مقابله با اعتراضات در روستاها، کشاورزان از آن به عنوان وسیله‌ای برای بهبود درآمد خود و زنان آن را به عنوان امکان کار در هم‌جواری منزل خودشان می‌دانند. به این ترتیب، کسب و کارهای کوچک از نقطه نظر همه صاحب‌نظران ابزاری برای افزایش بهبود کیفیت زندگی فردی و اجتماعی، وسیله‌ای برای ثبات اقتصادی و محیطی قابل زیست تلقی می‌گردد (سعدی و ناظمی، ۱۳۹۴).

بلایای طبیعی و کسب و کار

بلایای طبیعی می‌توانند تأثیرات قابل توجهی بر انواع کسب و کار داشته باشند. تأثیرات مستقیم شامل تلفات انسانی و آسیب به محل، تجهیزات، وسایل نقلیه و موجودی‌ها است (ویتنی، دیکرسون و لیندل^۱، ۲۰۰۱). تأثیرات غیرمستقیم عبارتند از: وقفه کسب و کار خارج از محل، کاهش ارزش اموال و اثرات بازار سهام، و همچنین جنبه‌های تأثیرات اجتماعی و محیطی (رژ، ۲۰۰۹). علاوه بر این، در خلال بلایای طبیعی، تأسیسات زیربنایی مانند آب و فاضلاب، برق، حمل و نقل سوخت و کسب و کار نیروی مخابراتی دچار اختلال می‌شوند (آلش، هالی، میتلر و ناگی^۲، ۲۰۰۱). در بسیاری از موارد، هرچند آسیب مستقیم به کسب و کارها ناچیز است، با این حال، اثرات غیرمستقیم به اندازه کافی شدید هستند که موجب توقف فعالیت‌های کسب و کار شوند (عسگری و صادقی نائینی، ۲۰۱۱). توانایی کسب و کارها برای بازیابی پس از بلایای طبیعی، بستگی به تعداد عوامل داخلی و خارجی دارد. عوامل داخلی عبارتند از: عواملی مانند نوع، اندازه، کاهش خطر و برنامه‌ریزی تداوم کسب و کار، ظرفیت مالی، میزان آسیب‌های مستقیم و غیرمستقیم و ارتباطات با صنعت. عوامل خارجی مربوط به آن دسته از عواملی هستند که خارج از کنترل کسب و کار می‌باشند، از قبیل اختلال در جامعه و در دسترس بودن حمایت‌های اجتماعی و نهادی. کسب و کارهای کوچک اغلب آن‌هایی هستند که بیشتر تحت تأثیر قرار می‌گیرند و ظرفیت کمی برای بازآفرینی پس از بلایای طبیعی دارند. کسب و کارهای کوچک به احتمال زیاد کمتر در کاهش ریسک‌های فاجعه از طریق برنامه‌ریزی تداوم کسب و کار فعال هستند (ژانگ، لیندل و پراتر^۳، ۲۰۰۹). کسب و کارهای کوچک، به‌ویژه در کشورهای

4. Green, Miles, Gulacsik, & Levy, 2008

5. Yoshida & Deyle, 2005

6. Sydnor, Niehm, Lee, Marshall & Schrank, 2017

7. Webb, Tierney & Dahlhamer, 2017

8. Liu, 2013

1. Whitney, Dickerson & Lindell, 2001

2. Alesch, Holly, Mittler & Nagy, 2001

3. Zhang, Lindell & Prater, 2009

پیشینه

همان گونه که گفته شد، پژوهش های مربوط به حوادث و بلایای طبیعی در جهان، حوزه ای نسبتاً جوان ولی در حال رشد است. به ویژه با توجه به گسترش مخاطرات مختلف در جهان امروز، پژوهش های فاجعه به طور گسترده ای به بررسی بازسازی پس از بلایای طبیعی نظیر زلزله، سیل، طوفان و سایر بلایای طبیعی و همچنین فجایع انسان ساخت مانند جنگ پرداخته اند (عنبری و عرفانی، ۱۳۹۵). در ایران، در میان پژوهش های مربوط به بازسازی پس از زلزله، اغلب و بیشتر پژوهش ها، توجه خود را به مسأله بازسازی در حوزه ابعاد فیزیکی، کالبدی، فضایی، اجتماعی و روانی پس از حادثه معطوف داشته اند. اگرچه توجه به مقوله بازآفرینی و بازسازی کسب و کارهای پس از زلزله، امری مهم و ضروری محسوب می گردد، لیکن مطالعات موجود در این راستا، با وجود سانه خیز بودن ایران، بسیار محدود است. بر این اساس، شاید بتوان اظهار نمود که تاکنون پژوهش جامعی در این رابطه انجام نشده است. با توجه به هدف این مطالعه، در ادامه، نتایج برخی از مهم ترین مطالعه های تجربی مرتبط با آسیب های مرتبط با کسب و کارها ارائه می گردند.

نتایج پژوهش نوروزی و فرهادی (۱۳۹۶) با عنوان سنجش آسیب پذیری و برنامه ریزی راهبردی مدیریت بحران (زلزله) در نواحی روستایی شهرستان شهرکرد نشان داد آسیب پذیری کالبدی- فضایی "کمتر از متوسط" و آسیب پذیری اقتصادی-اجتماعی در نواحی روستایی مورد مطالعه زیاد است. بدری، عسگری، افتخاری و لیوی^۱ (۲۰۰۶) در پژوهشی با عنوان اسکان مجدد پس از فاجعه، توسعه و تغییر: مطالعه موردی زلزله سال ۱۹۹۰ منجیل در ایران نشان دادند که اسکان مجدد می تواند منجر به تأثیرات قابل ملاحظه ای بر جمعیت بیکار شود. برعکس، یک فرایند اسکان مجدد که به خوبی برنامه ریزی شده و مدیریت می گردد، می تواند نتایج مثبت بلندمدت در توسعه را به دست آورد. این مقاله نشان می دهد که خانواده های منتخب پس از جابه جایی و تجدید ساختار در چالش های اجتماعی و اقتصادی دچار مشکل می شوند. این موضوع، به ویژه در رابطه با اشتغال، درآمد، توانمندسازی زنان و مسائل مربوط به شیوه زندگی صادق است. ولانی، کریم زاده و منافی آذر

(۱۳۹۷) در پژوهشی موانع توسعه کسب و کارهای خرد در نواحی روستایی شهرستان میاندوآب را مورد تحلیل قرار دادند. نتایج نشان داد ایجاد کسب و کار جدید موانع سه گانه ای دارد که عبارتند از: موانع اقتصادی- اجتماعی، موانع زیرساختی و ضعف سرمایه اجتماعی و ترجیح سپرده گذاری به سرمایه گذاری. موانع اقتصادی اجتماعی مهم ترین عامل عدم ایجاد کسب و کار جدید بوده است. جزایری، صمدزاده و حاتمی نژاد (۱۳۹۸) در پژوهشی به ارزیابی ظرفیت تاب آوری شهری در برابر خطر زمین لرزه با تأکید بر ابعاد اقتصادی، کالبدی- زیرساختی در منطقه ۱۲ تهران پرداختند. نتایج نشان داد شاخص های اقتصادی به سه معیار (نوع کسب و کار، مقیاس کسب و کار و سطح اشتغال) و شاخص های کالبدی- زیرساختی پایین تر از حد بهینه قرار دارند. ایرانمنش (۱۳۹۶) در مطالعه ای با عنوان الگویی نو در کمک رسانی انسان دوستانه؛ اولویت اشتغال زایی در کمک رسانی های پس از حادثه براساس تجارب زلزله های بم و قره داغ آذربایجان شرقی به این نتیجه رسیدند که مهم ترین معضل پس از زلزله برای آسیب دیدگان، اشتغال پایدار و درآمدزا است و بسیاری از روش های به کار گرفته شده برای بازسازی مناطق زلزله زده، فاقد رویکرد ایجاد اشتغال برای بازماندگان از زلزله است. نتایج پژوهش فلاحي و ارژنگی (۲۰۱۱) با عنوان تداوم کسب و کار پس از زلزله ۲۰۰۳ بم در ایران نشان داد که؛ یکپارچگی طرح برنامه ریزی تداوم کسب و کار و طرح جامع بازسازی، ممکن است راه برنامه ریزی بهتر بازایی فاجعه در ایران را هموار کند. نتایج پژوهش عسگری، انجومی و عظیمی^۲ (۲۰۱۲) با عنوان بازایی فاجعه و تداوم کسب و کار پس از سیل ۲۰۱۰ در پاکستان: مورد مطالعه کسب و کارهای کوچک نشان داد که؛ ارائه حداقل حمایت های دولتی و غیردولتی می تواند سرعت، کیفیت و پایداری بازایی فاجعه کسب و کارهای کوچک را افزایش دهد. نتایج پژوهش عسگری، انجومی و عظیمی (۲۰۱۳) با عنوان اندازه گیری انعطاف پذیری کسب و کارهای کوچک در مقابل فاجعه: مورد مطالعه کسب و کارهای کوچک تحت تأثیر سیل سال ۲۰۱۰ در پاکستان نشان داد که؛ قابلیت انعطاف پذیری در میان

زرگر، ۱۳۹۴)، به طوری که نیازمند بررسی وضعیت کسب و کارها پس از وقوع زلزله و ارائه راه کارهای عملیاتی برای کنترل، تعدیل و حتی حذف اثرات این مخاطره طبیعی، به خصوص بر کسب و کارها و توسعه و بهبود و به طور کلی بازسازی آن‌ها می‌باشد. در این میان، اعمال راهکارهای عملیاتی در راستای بازسازی کسب و کارهای مناطق زلزله زده سبب می‌گردد که با بازگرداندن شرایط پیش از بروز سانحه و همچنین بهبود بخشی، ارتقاء و توسعه آن‌ها، نه تنها سعی در جبران خسارات مذکور داشت؛ بلکه تلاش می‌شود که تهدید موجود را به فرصتی برای تحول اقتصادی و در نهایت توسعه، بهبود و رونق اقتصادی کسب و کارها در مناطق زلزله زده تبدیل کنند و از این طریق نه تنها از مهاجرت افراد به سایر شهرها و کلان شهرها جلوگیری به عمل آورند؛ بلکه انگیزه برای بازسازی مناطق آسیب دیده نیز در آنان محیا گردد. همچنین با برنامه ریزی‌های مناسب با هدف تقلیل آسیب پذیری کالبدی و حفظ و ارتقاء عملکردهای حیاتی کسب و کارها، در راستای افزایش تاب آوری کسب و کارها در برابر سوانح طبیعی از جمله زلزله گام برداشت (فلاحی و جلالی، ۱۳۹۲). از آنجا که اشتغال زایی مهم ترین نیاز دوره بازسازی است، مردم آسیب دیده، حتی اگر خانه و امکانات زندگی داشته ولی کار نداشته باشند، در عذاب فراوان خواهند بود. بر اساس مشاهدات میدانی، تقریباً در تمامی حوادث، حمایت از اشتغال زایی و درآمد زایی در میان اقلام کمک رسانی، معمولاً در آخرین مراتب قرار داشته و سهم بسیار ناچیزی به آن داده شده است. نکته شایان توجه آن است که؛ احداث مراکز آموزش حرفه‌ای و هنرستان‌ها زمانی می‌تواند به اشتغال زایی درآمدزا بیانجامد که فرصت‌های شغلی بالقوه‌ای موجود باشد، وگرنه ممکن است، بیشتر به تربیت افراد ماهر بیکار منجر شوند (ایرانمنش، ۱۳۹۶).

انجام این پژوهش از نظر اجرایی و کاربردی نیز ضرورت دارد؛ چرا که با ارائه یافته‌های این پژوهش به کلیه مسئولین، دست‌اندرکاران و کنش‌گران بخش‌های مختلف و سایر سازمان‌ها و مؤسسات مربوطه در راستای بهبود کسب و کارها در مناطق زلزله زده، و کنترل و تعدیل مشکلات فراوری کسب و کارها، و تبدیل تهدیدهای موجود به فرصت، گام بردارند. تمامی سازمان‌های دولتی و غیردولتی (اعم از سمن‌ها و...)، وزارت خانه‌ها و بسیاری

کسب و کارهای کوچک تأثیرگذار است و انعطاف پذیری کسب و کارها عمدتاً تحت تأثیر منابع انسانی و مالی داخلی و سرمایه اجتماعی قرار می‌گیرد که کسب و کارها در طی دوره بهبودی از آن بهره‌مند شدند. نتایج پژوهش سارمینتو، هوبرمن، ژیرت و فریرا جوردائو^۱ (۲۰۱۶) با عنوان مدیریت ریسک فاجعه و آموزش کسب و کار: مطالعه شرکت‌های کوچک و متوسط نشان داد که؛ با توسعه و انتشار دانش، فرآیندها و روش‌های بهتر از طریق فعالیت‌ها و کانال‌های مختلف مانند مشاوره کسب و کار و توسعه برنامه تداوم کسب و کار، و ابزارهای انعطاف پذیری فاجعه برای کسب و کارهای کوچک و متوسط، دانشگاه بین‌المللی فلوریدا تجربه و تعهد به کارآفرینی خود را در اختیار کسب و کارهای کوچک و متوسط و جامعه فلوریدا جنوبی قرار می‌دهد. نتایج پژوهش پیترو^۲ (۲۰۱۱) با عنوان «آمادگی طوفان به عنوان سازگاری پیش‌بینی شده: مطالعه موردی، مشاغل اجتماعی» نشان داد ظرفیت انطباقی کسب و کار ممکن است با انواع کسب و کار، مکان‌ها و ویژگی‌های اجتماعی - شناختی صاحبان کسب و کار متفاوت باشد. گزارش‌های ثبت شده نشان می‌دهد از ۴۰ نوع رخدادی که در دنیا به وقوع پیوسته، ۳۱ مورد از آن‌ها نیز در ایران اتفاق افتاده‌اند. بر مبنای چنین گستره قابل توجه بحران در محدوده جغرافیای کشورمان، در نظر گرفتن چارچوب مدیریت بحران و ابعاد پیشگیرانه موضوعی کاملاً ضروری است. با این وجود، ابعاد وسیع آسیب پذیری، به علت عدم برنامه ریزی و اقدام لازم، کشور ایران در طی دهه‌های پیش در زمینه بلایای طبیعی و از جمله زلزله، دوره‌ای بسیار پر هیاهو و سخت را پشت سر گذاشته است (پوراحمد، ۱۳۸۸). بر این اساس، مطالعات سال‌های اخیر بیانگر اهمیت حیاتی احیای اقتصادی جوامع پس از سوانح، برای بازسازی شهرها و در نتیجه احیای پایدار کالبدی سکونتگاه‌ها می‌باشد.

بلایای طبیعی از جمله زمین‌لرزه‌ها از دیرباز زندگی بشر را به صورت گسترده، و به خصوص کسب و کارها را تحت تأثیر قرار داده است. در این بین کشور ما نیز از این امر مستثنی نبوده است. مخاطرات بالقوه این امر طبیعی، برای کسب و کارها نیز دارای ابعاد بسیار گسترده‌تر و وسیع‌تری بوده‌اند (دوستی، محتاط و اسدیان

الگوی منظمی از تکرار، جمع‌آوری، تحلیل هم‌زمان و روش مقایسه مداوم داده‌هاست. این الگو اغلب شامل مراحل جمع‌آوری، تحلیل و طبقه‌بندی داده‌ها می‌باشد و تا اشیاع نظری داده‌ها ادامه می‌یابد. در این مطالعه برای روایی و اعتبار تحقیق از الگوی لینکن و گوبا و استراتژی ممیزان بیرونی به عنوان مشاور خارجی استفاده شده است. برای تحلیل اطلاعات و کشف مفاهیم و مقولات سه نوع کدگذاری انجام گرفته است: ۱. کدگذاری باز، ۲. کدگذاری محوری، و ۳. کدگذاری انتخابی (قاسمی و عزیزپور، ۱۳۹۹: ۶). با کدگذاری باز، با خرد کردن و مقایسه داده‌ها به پردازش مفاهیم و مقوله‌ها دست پیدا می‌کنیم. در کدگذاری محوری اقدام به تقلیل مفاهیم شد تا به مقوله‌ها برسیم. در واقع کدگذاری محوری ادامه‌ی کدگذاری مرحله اول یعنی کدگذاری باز است. در این مرحله، مقوله‌هایی که در مرحله‌ی کدگذاری باز تجزیه شده بودند در ترکیبی جدید به یکدیگر متصل و عوامل مؤثر بر آسیب‌های کسب و کار در سکونتگاه‌های روستایی مورد مطالعه در راستای پاسخ به سؤالات پژوهش مورد واکاوی قرار گرفت. در پایان مرحله کدگذاری محوری برای رسیدن به مرحله کدگذاری انتخابی به مرور، بررسی مجدد و پیگیری داده‌ها و کدهای قبلی لازم بود تا مقوله‌ی مرکزی و کانونی یافت شود که تمامی مقوله‌های قبلی را در بر گیرد.

محدوده مورد مطالعه

شهرستان دنا بین ۳۰ درجه و ۳۹ دقیقه تا ۳۱ درجه و ۱۸ دقیقه عرض شمالی و ۵۰ درجه و ۵۴ دقیقه تا ۵۱ درجه و ۳۴ دقیقه طول شرقی در ناحیه شمال شرقی استان کهگیلویه و بویراحمد قرار گرفته است. قلمرو جغرافیایی پژوهش حاضر، شامل سکونتگاه‌های روستایی آسیب‌دیده از زلزله واقع در شهرستان دنا می‌باشد. این شهرستان از ۲ بخش (مرکزی و پاتاوه)، ۲ نقطه شهری (سی‌سخت و پاتاوه)، ۴ دهستان (دنا، توت‌نده، پاتاوه و سادات محمودی) و ۱۵۶ روستا تشکیل شده است. بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵ جمعیت کل شهرستان دنا برابر با ۴۲۵۳۹ نفر بوده است که از این تعداد ۳۲۳۳۵ نفر معادل ۷۶ درصد از این جمعیت در سکونتگاه‌های روستایی قرار دارند. این شهرستان با داشتن ۷۶٪ جمعیت روستایی، بیشترین درصد جمعیت روستایی این استان را دارد و از این نظر این موضوع ضرورت توجه به برنامه‌ریزی یکپارچه روستایی را

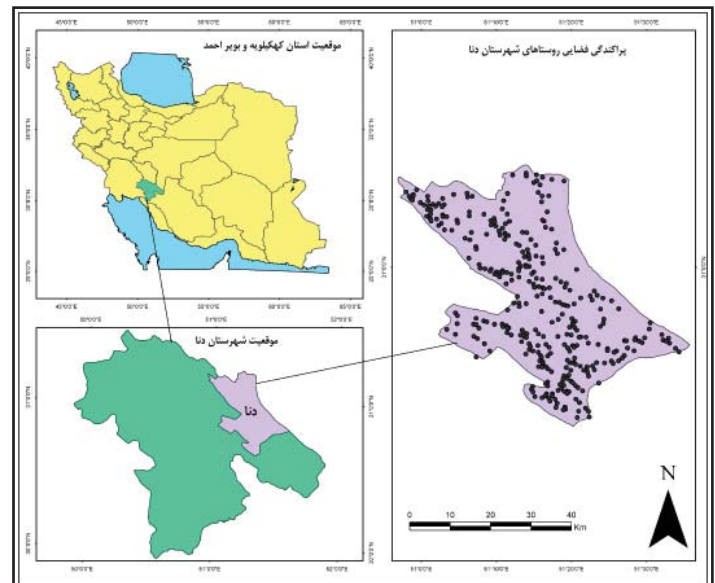
دیگر از سازمان‌ها و ادارات رسمی می‌توانند از نتایج این پژوهش در تصمیم‌گیری‌ها، فعالیت‌ها و سیاست‌گذاری‌های خود استفاده نمایند. از این رو در پژوهش حاضر به شناسایی عوامل مؤثر بر آسیب‌های کسب و کار خرد روستایی از زلزله در شهرستان دنا پرداخته می‌شود.

روش

این پژوهش از نظر نوع پژوهش، در زمره پژوهش‌های کاربردی و توسعه‌ای قرار دارد. به لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها، تحلیلی است و به صورت میدانی انجام گردید. همچنین از حیث رویکرد، یک پژوهش کیفی مبتنی بر نظریه بنیادی یا زمینه‌ای محسوب می‌گردد. به منظور دستیابی به هدف پژوهش، جامعه مورد مطالعه شامل مطلعان کلیدی کسب و کارهای سکونتگاه‌های روستایی زلزله‌زده شهرستان دنا از جمله صاحبان کسب و کارها (کشاورزان، دامداران، مغازه‌دارها و ...) و واحدهای صنعتی تخریب شده، کارفرمایان، متخصصان و مدیران می‌باشد. در پژوهش کیفی، حجم نمونه به شکل پژوهش کمی وجود ندارد، بلکه معیار آن، دستیابی به اشیاع نظری می‌باشد. به عبارت دیگر، انتخاب نمونه‌ها تا مرحله اشیاع نظری (رسیدن به مرحله‌ای که نظر یا مورد جدیدی در زمینه پرسش‌های مطرح شده از سوی افراد ذکر نشود و داده‌ها جنبه تکرار داشته باشد) ادامه خواهد یافت. در راستای پاسخ‌گویی به سؤال‌های پژوهش، روش نمونه‌گیری مورد استفاده، نظری و تکنیک‌های هدفمند و گلوله برفی است. در این پژوهش از طریق مصاحبه با ۲۲ نفر از صاحبان کسب و کارهای آسیب‌دیده از زلزله در منطقه مورد مطالعه انتخاب شده و اشیاع نظری را حاصل نمود. گردآوری داده‌های پژوهش با دو روش اسنادی و میدانی انجام شد. در روش اسنادی و کتابخانه‌ای، نخست مبانی نظری مرتبط با موضوع پژوهش و پیشینه مطالعات انجام شده در داخل و خارج از کشور پیرامون موضوع مورد مطالعه، بررسی شده و بسیاری از منابع مکتوب شامل مطبوعات، گزارش‌ها، مقالات، کتاب‌ها، سایت‌ها و وبلاگ‌ها کاویده خواهد شد. در مصاحبه‌های عمیق، افراد با توجه به هدف پژوهش گزینش خواهند شد. از این‌رو، اصلی‌ترین ابزار گردآوری داده‌ها، مصاحبه عمیق نیمه ساختارمند با جامعه مورد مطالعه است. تجزیه و تحلیل داده‌ها در نظریه داده‌بنیان،

مختلفی مانند استخرها، دیواره باغ‌ها و مزارع و گلخانه‌های منطقه مورد مطالعه خسارات بسیاری وارد کرده است. مهم‌ترین بخش خسارت‌ها مربوط به تخریب بافت قدیمی روستای هدف گردشگری کریک بوده است. در سال ۱۳۹۵ شهرستان دنا دارای ۲۶۸۹۰ نفر جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر بوده است. از جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر این شهرستان ۳۸/۳۵ درصد را جمعیت فعال از نظر اقتصادی و ۶۱/۶۵ درصد را جمعیت غیر فعال از نظر اقتصادی تشکیل داده‌اند. به این ترتیب نرخ اشتغال در سال ۱۳۹۵ برابر با ۸۹/۹۶ درصد و ۱۰/۰۴ درصد را جمعیت بیکار تشکیل داده‌اند. نتایج نحوه کاربری اراضی نشان می‌دهد از کل ۱۱۴۲۳۵/۴۶ هکتار زمین اراضی جنگلی ۵۷/۵۰ درصد، اراضی مرتعی ۳۰/۲۶ درصد، کشاورزی دیم ۶/۸۳ و کشاورزی آبی ۵/۴۱ درصد از اراضی را به خود اختصاص داده‌اند. مساحت کل اراضی کشاورزی اعم از آبی، دیم و آیش شهرستان دنا ۱۸۷۴۰ هکتار می‌باشد که از این مقدار ۱۲۲۶۶ هکتار آن را سطح دیم زراعی، ۷۴۰۵ هکتار را آیش، ۶۲۸۵ هکتار باغات، ۶۴۷۴ هکتار سطح آبی زراعی تشکیل داده است. مساحت سطح زراعت آبی و باغ آبی شهرستان دنا ۱۲۱۶۴ هکتار می‌باشد. در مجموع، ۱۲۲۶۶ هکتار از اراضی شهرستان دنا در سال ۱۳۹۶ به زیر کشت رفته است، به‌طوری که مساحت سطح زیر کشت گندم، جو، شلتوک در شهرستان دنا ۱۵۶۱۰ هکتار، ۱۷۵۳ هکتار حبوبات، ۵۲ هکتار سبزیجات، ۴۵ هکتار محصولات جالیزی، ۱۲۸۰ هکتار نباتات علوفه‌ای و صفر هکتار نباتات صنعتی می‌باشد. وسعت اراضی دارای سامانه‌های نوین آبیاری در شهرستان دنا در سال ۱۳۹۰ معادل ۲۱۰۰ هکتار بوده و در سال ۱۳۹۷ به ۲۹۳۷ هکتار افزایش یافته است (برنامه آمایش سرزمین شهرستان دنا، ۱۳۹۸). شهرستان دنا در زمینه دامپروری دام سنگین و تولید عسل از جایگاه ویژه‌ای در استان برخوردار است. بنابراین محدوده جنوب شرق استان (شهرستان‌های بویراحمد و دنا) دارای بیشترین تمرکز فعالیت‌های دام و امور دامی است که به عنوان یکی از مزیت‌های نسبی منطقه بسیار حایز اهمیت می‌باشد. بر اساس اطلاعات به دست آمده از اداره کل جهادکشاورزی استان در سال ۱۳۹۶، تعداد دامداری‌های شهرستان دنا ۱۰۱ واحد می‌باشد. بر این اساس، تعداد دامداری‌های فعال گاو شیری در شهرستان دنا واحد ۲، پرواربندی گوساله فعال

طلب می‌کند. اشتغال عمدۀ روستاییان در منطقه مورد مطالعه به کشاورزی و زیر بخش‌های (زراعت، باغداری، دامداری و دامپروری، پرورش زنبورعسل، پرورش طیور و آبزیان و ...)، فعالیت‌های مرتبط با گردشگری و صنایع دستی وابسته است.



شکل ۱. موقعیت محدوده مورد مطالعه
(تهیه و ترسیم: نویسندگان، ۱۴۰۰)

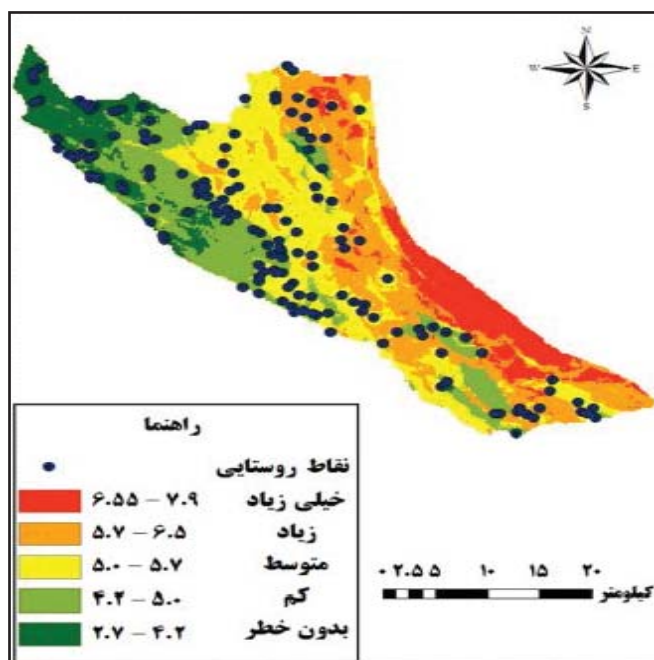
یافته‌ها

فعالیت و اشتغال غالب در سکونتگاه‌های روستایی شهرستان دنا عمدتاً بر پایه زیربخش‌های کشاورزی (زراعت، باغداری، پرورش زنبور عسل و دام‌داری) و فعالیت‌های مرتبط با گردشگری می‌باشد. به دلیل وقوع زمین لرزه در منطقه مورد مطالعه، اقتصاد مردم ساکن تحت الشعاع قرار گرفته است و سبب محدودیت‌هایی در کسب و کارهای روستایان شده است. به‌طوری که محدودیت‌های مذکور بر فضا‌بندی محل زندگی آنها تأثیر مستقیم گذاشته و در بسیاری از موارد فضای فعالیتی که همجوار فضای زیست آن‌ها بوده است را مختل نموده است. کارکرد مسکن روستایی تابعی از نوع فعالیت اقتصادی و معیشت خانوار روستایی می‌باشد. در سکونتگاه‌های روستایی مورد مطالعه با توجه به اینکه هنوز کشاورزی و دامداری به عنوان فعالیت اصلی مطرح است، می‌توان گفت مسکن از نوع شغل تأثیر بسزایی پذیرفته‌اند. در منطقه مورد مطالعه بخش شیلات و مزارع پرورش ماهی متحمل خسارت‌های زیادی شده و بخشی از این مزارع به طور کلی تخریب شده‌اند. همچنین زلزله به بخش‌های

آمده از شکل ۲ نشان می‌دهد که می‌توان خسارت‌ها را به گروه مستقیم (هنگام زلزله) و غیر مستقیم (پس از زلزله) تقسیم کرد. همان‌طور که در نمودار ذکر شده مشاهده می‌شود، عوامل مختلفی در میزان خسارت وارد بر کسب و کارها مؤثر می‌باشند. از آنجا که میزان تأثیر این عوامل در کسب و کارهای مختلف، متغیر است، در نتیجه، خسارات وارد بر کسب و کارها متفاوت می‌باشد. از مقایسه اظهارات صاحبان کسب و کارها می‌توان دریافت که در منطقه مورد مطالعه، کسب و کارهای مختلف از خسارات تأثیرات متفاوتی پذیرفته‌اند. در نتیجه عواملی که باعث آسیب به کسب و کارها شده‌اند نیز متفاوت می‌باشند. به عنوان نمونه، خسارات وارد بر کسب و کارهای مرتبط با پرورش ماهی و تخریب بافت سنتی روستای هدف گردشگری در مقایسه با سایر کسب و کارها متفاوت است. واحدهای پرورش ماهی با توجه به حساسیت بالای محصول پس از وقوع زلزله متحمل تلفات بسیاری شدند. در کنار بررسی خسارات وارد بر کسب و کارها در هنگام وقوع زلزله، مقولات دیگری نیز هستند که خسارات گسترده‌ای را پس از زلزله به کسب و کارها و صاحبان آنها وارد کرده و کسب و کارهای هر یک تا مدت‌ها پس از زلزله از خسارات گوناگون متضرر شده‌اند. در واقع خساراتی که به دنبال زلزله و پس از آن ایجاد شده، اثرات نامطلوبی بر فعالیت کسب و کارها داشته است، که اهمیت آن کمتر از خسارات اولیه نمی‌باشد. در واقع به دلیل نمایان بودن آسیب‌های کالبدی و نگرش متمرکز مسئولان و برنامه‌ریزان به کسب و کارهای تخریب شده، برنامه‌ها بیشتر برای بازسازی ابنیه بوده و خسارات غیرمستقیم به طور قابل ملاحظه‌ای از نظر آن‌ها پنهان مانده است. یکی از مواردی که به طور غیر مستقیم کسب و کارها را متضرر کرده است زنجیره عرضه (تأمین) محصولات می‌باشد. زنجیره عرضه شبکه‌ای از فعالیت‌هایی است که کارکردهایی از قبیل تولید، پشتیبانی، فرآوری بازاریابی و فروش محصولات را انجام می‌دهد. از آنجا که هدف زنجیره تأمین یکپارچه‌سازی فرایندهای تأمین کننده و تولیدکننده، افزایش کارایی و کاهش ضایعات می‌باشد، پس از وقوع زلزله در این زنجیره اختلال به وجود آمده است.

در شهرستان دنا ۳ واحد و پرواربندی بره فعال شهرستان دنا ۳ واحد بوده است. طبق آمار سازمان جهاد کشاورزی استان، تعداد کندوهای زنبور عسل در سال ۱۳۹۶ شهرستان دنا از تعداد کلنی زنبور عسل ۲۳۰۲۳ کلنی، ۱۶۱ تن تولید عسل و ۳۵۰ نفر شاغلین در این بخش بوده است. در سال ۱۳۹۶ در شهرستان دنا ۷۲ مزرعه پرورش ماهی با مساحت ۱۲۷۵۳۰ مترمربع، تولید ۶۲۹۰ تن و تعداد شاغلین ۸۹۸ نفر در این بخش وجود داشته است.

نتایج تحلیل فضایی (شکل ۲) میزان آسیب‌پذیری نقاط روستایی شهرستان دنا نشان می‌دهد که: ۱۹ روستا معادل ۱۲/۱۷ درصد در پهنه خطر بالا، ۵۳ روستا معادل ۳۳/۹۷ درصد در پهنه با خطر متوسط، ۵۵ روستا معادل ۳۵/۲۵ درصد در پهنه با خطر کم و همچنین ۲۹ روستا معادل ۱۸/۵۸ درصد از سکونتگاه‌ها در پهنه بدون خط زلزله قرار دارند.



شکل ۲. پهنه‌بندی زلزله روستاهای شهرستان دنا

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰).

به طور کلی خسارات وارد شده بر کسب و کارها ابعاد پیچیده‌ای را شامل شده است. آنچه که در نگاه اول به ذهن متبادر می‌نماید آسیب کالبدی و فیزیکی می‌باشد، اما این موضوع تنها بخشی از خسارات وارد شده به کسب و کارها و واحدهای معیشتی است که صاحبان کسب و کار با آن مواجه هستند. اطلاعات به دست

مالک قادر به ارائه خدمات مناسب نباشد به مکانی بهتر نقل مکان کند. با توجه به این یافته‌ها، اجاره کننده‌ها در مقایسه با صاحبان محل کسب و کار، خسارت‌های کمتری متحمل شدند. بعضی کسب و کارها با استفاده از منابع خود مجدداً افتتاح می‌شوند. معمولاً کارآفرینان کوچک برای ترمیم هرچه سریعتر کسب و کار خود، چه در همان مکان و چه در جای دیگر، فرایند بازیابی و احیا را آغاز می‌کنند، اما بخش اعظم بهبودی به بازسازی فراگیر منطقه یا بازاری که کسب و کار آنها در آن واقع شده بستگی دارد.

جدول ۲. کدگذاری باز (مفاهیم) و کدگذاری محوری (مقوله‌ها)

کدگذاری باز (مفاهیم)	کدگذاری محوری (مقوله‌ها)
۱. کارآیی پایین سیستم مدیریت بحران ۲. ضعف مدیریت احیای کسب و کارها ۳. عدم بکارگیری مدیریت بحران مشارکتی ۴. کاهش سرمایه اجتماعی در هنگام وقوع زلزله ۵. اولویت نداشتن برنامه اشتغال پس از بحران زلزله ۶. اختلال در نظام مدیریت منابع انسانی کسب و کارها ۷. عدم ثبات اقتصادی در کشور ۸. پایین بودن شاخص ضریب نفوذ بیمه کسب و کار ۹. نوسانات بازار.	عوامل مدیریتی و اقتصادی
۱۰. وجود نگاه کلی به کسب و کارها ۱۱. ضعف همکاری بین نهادهای متولی مدیریت بحران ۱۲. نارسایی کارکردی نظام بانکی ۱۳. ضعف کارکردی و ضعف ایفای نقش سازنده صنعت بیمه ۱۴. اختصاص تسهیلات مناسب به منظور احیای کسب و کارها ۱۵. حمایت دولت از کسب و کارهای آسیب‌دیده ۱۶. تسهیل احیای کسب و کارهای اولویت‌دار ۱۷. حل مشکلات ضمانتی کسب و کارهای آسیب‌دیده ۱۸. کمبود سازمان‌های حمایت کننده.	عوامل نظارتی و اجرایی
۱۸. مشکلات مالی حاکم بر احیای کسب و کارها ۱۹. بدهی پیش از بحران کسب و کارها ۲۰. از دست دادن بازار کسب و کار ۲۱. پایین بودن قدرت مدیریتی فرد ۲۲. مشکلات تسهیلاتی و اعتباری احیای کسب و کارها ۲۳. همجواری مکان زیست و فعالیت ۲۴. عدم شناخت بازار و مسائل بازاریابی ۲۵. عدم وجود چشم انداز برای کسب و کارها ۲۶. عدم وجود برنامه برای مقابله با زلزله ۲۷. عدم دسترسی به سرمایه و امکانات ۲۸. اختلال در زنجیره تأمین و ارزش	عوامل فردی و سازمانی
۲۹. مشکلات زیرساختی کسب و کارها ۳۰. استاندارد نبودن ساختار کالبدی کسب و کارها ۳۱. بی‌توجهی به مطالعات امکان‌سنجی کسب و کارها ۳۲. ارتقاء شاخص کیفی و استانداردسازی ساختار کالبدی واحدهای کسب و کارها ۳۳. اختصاص مکان موقت به منظور تداوم فعالیت کسب و کارها ۳۴. تجهیزات ارتباطی و شبکه‌ای.	عوامل زیرساختی

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰).

جدول ۱. خسارات وارد شده به کسب و کارهای روستایی در منطقه مورد مطالعه.

خسارات مستقیم (خساراتی که در هنگام وقوع زلزله به کسب و کارها وارد شد)	خسارات غیر مستقیم (خساراتی که بعد از زلزله به کسب و کارها وارد شد)
خسارات وارده بر کالاهای و محصولات زراعی و باغی در انبارها	افزایش هزینه تولید و یا تاخیر در تولید محصولات
تخریب کالبدی واحدهای کسب و کار	هزینه احیاء اراضی و راه‌ها و اختلال در حمل و نقل
خسارات وارد شده به مزارع پرورش ماهی و افزایش تلفات آبزیان	تاخیر در آبیاری اراضی و کاهش تولید فاسد شدن محصولات
تخریب انهار و شبکه‌های آبیاری و زهکشی	اختلال در زنجیره تأمین و ارزش کالاهای و محصولات
هزینه پاکسازی محدوده کسب و کارهای و احداث مجدد	احساس عدم امنیت سرمایه گذاری در کسب و کارها
خسارت و تخریب زیرساخت‌های حمل و نقل	اختلال در حمل و نقل و از دست دادن فرصت‌های بازار

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰).

با توجه به ماهیت مصاحبه‌ها و ساختارمندی آن‌ها حول سئوالات محوری، تلاش گردید تا برخی طبقات موضوعی برگزیده شوند. این طبقات که بنا بر کدگذاری موضوعی مدنظر قرار گرفته‌اند، از بطن محورهای مطرح شده برای هدایت مصاحبه‌ها برگزیده شده‌اند. پس از مرور یادداشت‌های میدانی و پیاده‌سازی محتوای تمام مصاحبه‌ها، نکات کلیدی و اصلی مصاحبه‌ها استخراج و کدگذاری گردید و اجزای مشابه و مرتبط را به صورت کد ثبت شد. در پایان هر مصاحبه و غربالگری آن‌ها، تعداد ۳۴ کد در مرحله کدگذاری باز (مفاهیم) استخراج و این مفاهیم در مرحله بعدی (کدگذاری محوری) در ۴ کد محوری (مقوله) مطابق جدول ۲ طبقه‌بندی نهایی شدند. بر اساس نتایج به دست آمده مقوله عوامل مدیریتی و اقتصادی شامل ۹ مفهوم، مقوله عوامل نظارتی و اجرایی شامل ۹ مفهوم، مقوله عوامل فردی و سازمانی شامل ۱۱ مفهوم و مقوله عوامل زیرساختی شامل ۶ مفهوم هستند.

کمبود منابع مالی و عدم آگاهی، آمادگی برای فاجعه را در لیست اولویت‌های کسب و کار قرار می‌دهد. برنامه‌های آمادگی در برابر بحران و استمرار کسب و کارها در سطحی پایین است و اکثر کسب و کارها با روش‌های سنتی اداره می‌شوند. اجاره کننده‌ها اصولاً انتخاب بیشتری برای انتخاب مکان‌های جدید برای کسب و کار خود دارند و مالکان چنین انتخابی ندارند. اجاره کننده وقتی

اینکه این بخش خسارات قابل توجهی را متحمل شده نیاز به حمایت همه جانبه دولت احساس می گردد و برای بازپرداخت اقساط وام ها به معافیت ها و خدمات مالی ویژه نیاز دارند.

در رابطه با عوامل فردی و سازمانی موثر در آسیب به کسب و کارها، مهارت های فردی و مدیریتی صاحبان کسب و کار در وضعیت مناسبی نمی باشند و فرد در مواقع بحرانی توانایی لازم را برای پیش بینی مخاطره و اینکه همه جوانب را قبل از وقوع حادثه بسنجد، ندارد. عدم ترسیم چشم انداز برای کسب و کار، عدم وجود برنامه برای مقابله با سوانح احتمالی و عدم اطمینان از آینده کسب و کار به معنی نبود توانایی مقابله با چالش های پیش رو می باشد. در صورتی که از مصادیق برنامه ریزی راهبردی برای احیا و استمرار کسب و کار، داشتن چشم انداز و مأموریت و برنامه ریزی است. همجواری مکان زیست و فعالیت از دیرباز یکی از ویژگی های سکونتگاه های روستایی بوده است، که با وقوع زلزله هم مکان فعالیت و هم مکان زیست ساکنان با بحران مواجه شده است. از دیگر عوامل موثر بر آسیب به کسب و کارها اختلال در زنجیره تأمین و زنجیره ارزش محصولات است. هدف زنجیره تأمین، یکپارچه سازی فرایندهای تأمین کننده و تولید کننده، افزایش کارایی و کاهش ضایعات است. زنجیره ارزش بیشتر بر نوآوری توسعه محصول و بازاریابی متمرکز می باشد و هدف این زنجیره ایجاد ارزش برای مشتری می باشد. وقوع زلزله باعث اختلال در این دو زنجیره شده است و کسب و کارها در حال از دست دادن بازار خود هستند.

یک از عواملی که در زمینه آسیب های کسب و کار و استمرار آن ها در روستاهای مورد مطالعه لازمه توجه است، مقوله عوامل زیرساختی است. مشکلات زیرساختی مانند مشکلات جاده ای و حمل و نقل، تجهیزات ارتباطی و شبکه ای، عدم رعایت مسائل فنی و مهندسی در ساختار کالبدی کسب و کارها و عدم توجه به مطالعات مکان یابی کسب و کارها (قرار گرفتن طرح های پرورش ماهی در مکان های ریزش کوه) از مهمترین عواملی بودند که می توان به آنها اشاره کرد. یکی دیگر از عوامل، عدم اختصاص مکان موقت برای تداوم فعالیت کسب و کارهایی است که محصولات آنها در خطر فاسد شدن می باشد.

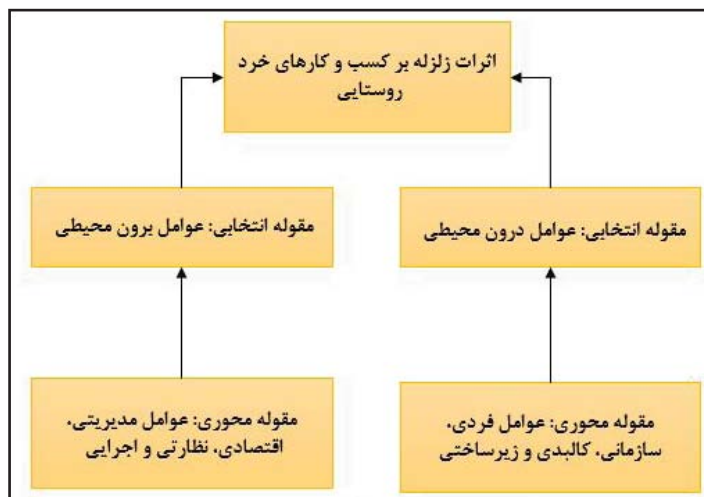
همان گونه که در جدول ۲ دیده می شود در این مرحله ۴ مقوله محوری استخراج شده است. در این بخش به شرح هر یک از مقوله ها با ارجاع به گفته های صاحبان کسب و کارهای آسیب دیده و ارتباط بین آنها پرداخته شد. محقق برای روشن شدن اهمیت مقوله های مطرح شده به ارایه توضیح های بیش تر و بیان بخشی از روایت ها پرداخته است.

در رابطه با تأثیر عوامل مدیریتی و اقتصادی در آسیب به کسب و کارهای روستایی و استمرار کسب و کارها در منطقه مورد مطالعه کارایی سیستم مدیریت بحران در سطح پایینی قرار دارد و همچنان مشارکت مانند همه برنامه ریزی ها حلقه مفقوده مدیریت بحران کسب و کارها شمرده می شود. یکی از مواردی که در هنگام وقوع زلزله توجه به آن برای برنامه ریزی کسب و کارها ضروری است تقویت سرمایه اجتماعی می باشد، که در منطقه مورد مطالعه این سرمایه کاهش پیدا کرده است. در برنامه ریزی برای مناطق زلزله زده به برنامه اشتغال ساکنین توجه نشده است و بیشتر توجهات معطوف به مباحث کالبدی می باشد. از دیگر مواردی که در زمینه عوامل موثر بر آسیب ها مورد توجه است پایین بودن میزان بیمه کسب و کار روستایی است که باعث شده تا صاحبان کسب و کار با احساس عدم امنیت روبرو گردند. با بررسی های میدانی که در منطقه مورد مطالعه انجام گرفته است، مشاهده گردید که صنعت بیمه در زمینه بیمه کسب و کارها با ضعف کارکردی مواجه شده و صاحبان کسب و کار با ساز و کارهای بیمه کسب و کار آشنایی نداشتند.

در زمینه عوامل نظارتی و اجرایی مؤثر بر آسیب به کسب و کارها نیز می توان به پایین بودن همکاری بین نهادهای متولی مدیریت بحران، وجود نگاه کلی به کسب و کارها و عدم تخصیص مناسب تسهیلات به کسب و کارها اشاره نمود. همان گونه که اشاره شد میزان و درجه تخریب و خسارات وارد شده به کسب و کارهای مختلف متفاوت می باشد. استمرار کسب و کارها نیازمند نظارت و ارزیابی های مداوم از طرف نهادهای متولی مدیریت بحران است تا از فرصت های به وجود آمده برای مقابله با خطرات پیش رو آمادگی لازم را کسب کرده و میزان خسارات را کاهش داد. در زمینه خساراتی که به بخش آبروی پروری وارد شده است، با توجه به

اظهارات مطلعان، مدیریت کسب و کارها محدود به مرحله مقدماتی و حین بحران بوده و به مدیریت سایر مراحل بحران توجهی نشده است. میزان سرمایه گذاری در هنگام وقوع حادثه در سطح پایین و کمک‌های مردمی برای صاحبان کسب و کار اثربخش بوده است. در زمینه آموزش احیا و بازآفرینی کسب و کارها از طرف نهادهای رسمی و غیررسمی فعالیتهایی صورت نگرفته است.

در مرحله بعد با مقایسه پیوسته و مداوم میان مقوله‌ها و مفاهیم، روابط بین آنها شناسایی گردید و از ارتباط بین مقوله‌های اصلی و فرعی عوامل مؤثر بر آسیب به کسب و کارهای کوچک روستایی به دست آمد. عوامل درون محیطی که شرایط لازم را برای آسیب به کسب و کارها آماده می‌کنند عبارت‌اند از: عوامل فردی، سازمانی، کالبدی و زیرساختی. عوامل ساختاری زمینه را برای آسیب به کسب و کارها مهیا می‌کنند. عوامل برون محیطی که شامل عوامل مدیریتی، اقتصادی، نظارتی و اجرایی هستند و بر میزان آسیب به کسب و کارها تاثیر می‌گذارند. با انجام کدگذاری باز و محوری، مدل مفهومی پژوهش که نمایانگر ارتباط بین مقوله‌های اصلی و مقوله‌های فرعی است، تدوین شده است (شکل ۳).



شکل ۳. مدل مفهومی اثرات زلزله بر کسب و کارهای خرد روستایی
(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰).

نتیجه گیری

شناسایی عواملی که بر میزان آسیب به کسب و کارها مؤثر می‌باشند، برای استمرار کسب و کارهای روستایی از ضرورت و اهمیت بسزایی برخوردار است، در تداوم معیشت آسیب‌دیدگان

اطلاعات جمع‌آوری شده از صاحبان کسب و کارهای روستایی آسیب دیده از زلزله در وضع موجود نشان می‌دهد که؛ صاحبان از سکنه بومی منطقه بوده و در بخش‌های کشاورزی، دامداری، مغازه‌داری، زنبورداری و پرورش ماهی مشغول فعالیت بوده‌اند. صاحبان کسب و کار در مورد قرار گرفتن در وضعیتی مشابه وضعیت زلزله اخیر اظهار کردند که تاکنون چنین وضعیتی برای کسب و کار آن‌ها پیش نیامده است. مصاحبه شوندگان همچنین اظهار کردند که دلیل انتخاب این شغل، تجربه و شرایط خانوادگی بوده است. در زمینه احیای کسب و کارهای آسیب دیده میزان مشارکت اهالی در سطح بسیار پایینی قرار داشت (به گفته یکی از کسبه مثل اینکه قیامت شده بود و هیچ کس به فکر اوضاع همسایه نبود). در بین کسب و کارهای آسیب دیده، مشاغل گروه خدماتی و مغازه‌داران و دامداران زودتر از بقیه و مزارع پرورش ماهی و کشاورزان و باغداران دیرتر از بقیه کسب و کارها به احیای کسب و کار خود اقدام کرده‌اند. صاحبان کسب و کارهای آسیب دیده به فکر احیای کسب و کار خود بودند و از دست روی دست گذاشتن پرهیز کردند. صاحبان کسب و کارها می‌گویند میزان وام‌های اختصاص داده شده برای احیای کسب و کارها اندک است و نیازمند بازنگری جدی در این زمینه می‌باشد.

از دیدگاه صاحبان کسب و کار آسیب دیده یکی از مهم‌ترین و بدیهی‌ترین اصل در استمرار کسب و کار، مدیریت بحران حین و پس از وقوع زلزله است. خسارات وارد شده به کسب و کارها در مرحله اول، کالبدی و زیربنایی بوده و در مرحله بعد به کالاها و اجناس و محصولات خسارت وارد شده است. برای احیای کسب و کارها از منابع مالی وام‌های بلاعوض و پس اندازهای شخصی استفاده شده است و حمایت دولت در این زمینه محدود به اعطای وام‌های بلاعوض بوده است. دولت در زمینه توانمندسازی و برنامه‌های انگیزشی احیا و استمرار کسب و کارها برنامه نداشته است. میزان انتظار مصاحبه‌شوندگان از دولت در زمینه استمرار بازآفرینی کسب و کارها بیشتر بوده است، در حالی که عملکرد دولت در این زمینه محدود به مدیریت بحران در مراحل ابتدایی و اعطای تسهیلات می‌باشد و به گفته مصاحبه‌شوندگان، دولت بعد از اعطای تسهیلات کسبه را به حال خود رها نموده است. بنا بر

و کارهای خرد روستایی پس از زلزله با این روش و با این جامعیت انجام نشده است. این در حالیست که مسائل اقتصادی، اشتغال و احیاء کسب و کارها نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشند و بعد از زلزله بخش بزرگی از آسیب‌ها شامل موارد اقتصادی و احیاء کسب و کارها می‌باشد. به همین دلیل، عدم توجه به مسائل اقتصادی، اشتغال و کسب و کار زلزله‌زده‌گان، خود منجر به بروز و ظهور بحران‌ها و زیان‌های دیگری می‌گردد. پس از وقوع زلزله ابتدا خانواده‌ها و پس از آن کسب و کارها بیشتر از حادثه دچار خسارت می‌شوند. سرگردانی صاحبان کسب و کار به عمق فاجعه دامن می‌زند که پیش‌بینی و تدوین ساز و کاری که بتواند در شرایط بحرانی به امور کسب و کار سامان دهد، بیش از پیش ضروری به نظر می‌رسد. در واقع در شرایط کنونی ساز و کار مناسبی برای توانمندسازی و بازسازی واحدهای کسب و کار روستایی پس از سانحه وجود ندارد. سازوکارهای مالی، تسهیلاتی، حمایتی، آموزشی، مدیریتی و ارتباطی از جمله مهم‌ترین سازوکارهای توسعه کسب و کارهای کوچک در سکونت‌گاه‌های روستایی می‌باشند. جبران شکاف‌های برنامه‌های استقرار موقت و دائم کسب و کارها مستلزم نگاهی تلفیقی است. بنابراین در نظر داشتن برنامه تداوم کسب و کار در بازسازی می‌تواند مسیر بازسازی و به‌سازی کسب و کارها را از تمرکز صرف بر رویکرد کالبدی به احیای معیشت همراه با بازآفرینی کالبدی سوق دهد و در خلال برنامه‌ها، معیشت مختل‌شده سریع‌تر بازآفرینی شود. از آنجا که برنامه استمرار کسب و کار فرایندی چرخه‌ای و مشمول برنامه کاهش خطر می‌باشد، آسیب‌پذیری کسب و کارها در برابر خطرات آینده نیز کاهش پیدا می‌کند. اختلالات به وجود آمده در روند استمرار کسب و کارها هم نشان می‌دهد که زنجیره تأمین ظریف و شکننده است و بازیابی و استمرار کسب و کارها یک فرایند بلندمدت می‌باشد.

کمپین‌های آموزش عمومی و آگاهی‌رسانی، بیمه، پشتیبانی مالی دولت‌ها و پشتیبانی نهادی از جمله رایج‌ترین و شاید مفیدترین ابزارهایی هستند که به بهبود کسب و کارها در کشورهای پیشرفته کمک می‌کنند. با بررسی وضعیت مناطق مورد مطالعه پس از زلزله، هیچ یک از این ابزارهای حمایتی در دسترس آسیب‌دیده‌ها نبودند. علی‌رغم این موضوع، آن‌ها به احیای کسب و کار خود امید دارند.

از زلزله و ادامه فعالیت آن‌ها و براساس مشاهدات میدانی، طرح مدیریت استمرار کسب و کارها و احیاء کسب و کارها، همواره نسبت به تأمین مسکن و سرپناه، از اهمیت کمتری برخوردار بوده است. پس از وقوع زلزله به دلایل متعدد، در فعالیت بسیاری از کسب و کارها اختلال به وجود آمد. متأسفانه، نگاه برنامه‌ریزان و متولیان امر بازسازی در پاسخگویی به نیازهای مردم مناطق زلزله‌زده، بیشتر بر بازسازی کالبدی معطوف بوده است. در حالی که به باور کارشناسان و متخصصان بازسازی و به‌سازی پس از وقوع سانحه، استمرار و بازیابی مجدد کسب و کارها، نقش بسزایی در ابعاد بازسازی پس از سانحه دارند. مصاحبه‌شوندگان تصور می‌کردند که محل کار آنها امن می‌باشد، در صورتی که مشاهدات و وضع موجود کسب و کارها با برداشت آنها متفاوت است. تعداد زیادی از مساکن و کاربری‌ها به طور نامناسب و بدون هیچگونه اصول فنی و مهندسی و کاربردهای دیگر استانداردهای ساختمان ساخته شده‌اند. کمبود منابع و عدم آگاهی، درک افراد ساکن در روستاها را از خطر تغییر داده است. عوامل شناسایی شده مؤثر بر فعالیت کسب و کارها نشان می‌دهد که مدیریت استمرار کسب و کارها بعد از زلزله به معنای تأمین کل خدمات و زیرساخت‌های تخریب شده، جایگزین کردن کالبدی واحدهای تخریبی و توانمند ساختن و بهبود فضای کسب و کارها می‌باشد. در نگه داشتن مردم پس از وقوع زلزله و هنگام بازسازی توجه به زیرساخت‌های نرم مانند مسائل اقتصادی و اجتماعی و زیرساخت‌های سخت مانند آب و برق بسیار مهم است. در صورتی که در منطقه‌ای زیرساخت‌های سخت بدون توجه به زیرساخت‌های نرم فرایند بازسازی را به پایان برساند، مردم حاضر به زندگی در منطقه وقوع زلزله نیستند.

اکثر شواهد بر تأثیرات بلایا بر روی کسب و کار به طور کلی و به‌ویژه کسب و کارهای کوچک، از مطالعات انجام شده در سال‌های اخیر در کشورهای توسعه‌یافته، به‌ویژه مطالعات انجام شده در ایالات متحده، حاصل می‌گردد. این در حالیست که شواهد کمی در مورد این مسائل در کشورهای در حال توسعه وجود دارد. این مطالعه تلاش می‌نماید تا این شکاف را پر کند. شایان ذکر است نه تنها در محدوده مورد مطالعه، بلکه حتی در کل کشور هم به نظر می‌رسد تا به حال مطالعه جامعی در خصوص اثرات زلزله بر کسب

با استفاده از بیمه کسب و کار، کاهش پیدا کند. یکی از بخش‌هایی که در بازسازی پس از زلزله مورد غفلت قرار گرفته است محل تأمین معیشت خانوارهای آسیب‌دیده است. در همین زمینه لازم است سازمان‌های متولی هم‌زمان با احیای بافت کالبدی، موضوع بازآفرینی و احیای کسب و کارها و اشتغال آسیب‌دیدگان را در اولویت قرار دهند. برای کمک به احیا و بازیابی سرمایه اجتماعی از دست رفته ساکنان، مسئولان باید از طرح وعده‌های غیرقابل دسترس خودداری کرده و اعتماد اهالی را تقویت نمایند.

از دیگر پیشنهادها متناسب با منطقه مورد مطالعه می‌توان به: توجه به رویکردهای مدیریت بحران اجتماع محور در فرایند بازیابی و بازآفرینی کسب و کار، اختصاص مکان موقت برای تداوم فعالیت واحدهای آسیب‌دیده، قسط‌بندی بدهی پیشین کسب و کارها با اهدای کمک‌های مالی و تسهیلات بلندمدت با بهره کم، توجه به مطالعات مکان‌یابی کسب و کارها و جلوگیری از احداث کسب و کارها در نزدیکی خط گسل و الزام کسب و کارها برای رعایت استانداردهای ایمنی اشاره نمود.

منابع

- اداره هماهنگی امداد سوانح سازمان ملل متحد، ژنو (۱۳۶۶)؛ سرپناه پس از سانحه، رهنمودهایی در زمینه امداد، مرکز ساختمان و مسکن، تهران.
- امیدی، نبی؛ محمدی، اسفندیار؛ پوراشراف، یاسان اله؛ خلیلی، کرم (۱۳۹۶)؛ بررسی عوامل موثر تشکیل و توسعه شرکت‌های کوچک و متوسط کارآفرین (SMEs) در روستاها (مورد شناسی: روستاهای استان ایلام)، جغرافیا و آمایش شهری-منطقه‌ای، سال ۷، شماره ۲۵، ص ۹۳-۱۰۴.
- بازیابی از: https://gaij.usb.ac.ir/article_3479.html
- امینی‌حسینی، کامبد؛ پیشنمازی، پروانه (۱۳۸۹)؛ بررسی نحوه اطلاع‌رسانی در زلزله‌های رودبار-منجیل و بم، پژوهشنامه زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله، سال ۱۳، شماره ۱ و ۲، ص ۶۵-۵۷. بازیابی از: <http://www.rbsee.ir/index.php/rbsee/article/view/28>
- ایرانمنش، محمد (۱۳۹۶)؛ الگویی نو در کمک‌رسانی‌های انسان دوستانه؛ اولویت اشتغال‌زایی در کمک‌رسانی‌های پس از حادثه (بر اساس تجارب زلزله‌های بم و قره‌داغ آذربایجان شرقی)، تهران، انتشارات صمدیه، چاپ اول.
- برنامه آمایش سرزمین شهرستان دنا (۱۳۹۸)؛ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کهگیلویه و بویراحمد، معاونت برنامه‌ریزی، چاپ اول، نشر تهران، سازمان برنامه و بودجه.
- <https://kb.mporg.ir/FileSystem/View/File.aspx?FileId=36593347-36ac-476b-af889ce89dbdb221>
- پژوهشکده سوانح طبیعی (۱۳۹۹)؛ گزارش مقدماتی زلزله سی‌سخت استان

دولت و سازمان‌های غیردولتی به ویژه در کشورهای در حال توسعه بیش از کسب و کارها، بیشتر به بهبود مسکن توجه می‌کنند. نتایج نشان می‌دهد که کسب و کارهای آسیب‌دیده با پس‌انداز شخصی سرعت بازیابی سریع‌تری دارند. در بین عوامل آسیب و اختلال، نتایج نشان می‌دهد که آسیب به تأسیسات کسب و کار، آسیب دیدن وسایل موجود در قفسه‌ها، ایجاد اختلال در زنجیره تأمین و اختلال در مسیرهای حمل و نقل بازیابی و احیای کسب و کار را به میزان قابل توجهی تحت تأثیر قرار داده است.

وضعیت استمرار کسب و کارهای آسیب‌دیده از زلزله در چارچوب فرایند مدیریت ریسک (شناسایی خطرات، اندازه‌گیری خطرات، بررسی راه‌حل‌ها، پیاده‌سازی راه‌حل‌ها و نظارت بر نتایج) نیز بررسی شده است. در مرحله شناسایی خطر کم و کیف خسارات وارد شده به کسب و کارها شناسایی گردید و برآورد اولیه‌ای از میزان خسارات وارد شده به محصولات و کالاها به عمل آمد. در این میان برخی از کسب و کارها زودتر از بقیه فرایند بازآفرینی را شروع نموده‌اند که نیازمند حمایت هستند ولی کسب و کارهایی که فرایند بازآفرینی آنها نسبت به بقیه کسب و کارها دیرتر است نیازمند حمایت‌های ویژه و حضور مستمر حمایت‌کنندگان دارند. در مرحله بعد راه‌حل‌هایی که صاحبان کسب و کار برای بازآفرینی پیشنهاد داده اند بررسی می‌شود. از مهمترین راه‌حل‌های پیشنهادی می‌توان به ارائه وام و تسهیلات، آموزش و ایجاد علاقه و انگیزه، پذیرش بازار و بازاریابی، احیای دامداری‌ها، خدمات بیمه کسب و کارها، احیای زمین‌های آسیب‌دیده، مکان‌یابی مناسب، دادن نهال رایگان و تسطیح اراضی کشاورزی اشاره نمود. همه این موارد نیازمند توجه ویژه ارگان‌های مسئول و همکاری و هماهنگی بین ارگان‌ها و نظارت مستمر بر فرایند بازآفرینی کسب و کارها می‌باشد.

در همین ارتباط و با توجه به نتایج مطرح شده در زمینه بازآفرینی و احیای کسب و کارها، صنعت بیمه در زمینه تحت پوشش قرار دادن کسب و کارها ضعیف عمل کرده است و صاحبان کسب و کارها هم در این زمینه سستی نموده‌اند. بنابراین پیشنهاد می‌گردد صنعت بیمه در یک بازار قابل دسترس و رقابتی، زمینه‌هایی را ایجاد کند که میزان آسیب‌پذیری کسبه در برابر زلزله

کهگیلویه و بویراحمد.

پوراحمد، احمد؛ لطفی، صدیقه؛ فرجی، امین و عظیمی، آزاده (۱۳۸۸): بررسی ابعاد پیشگیری از بحران زلزله (مطالعه موردی: شهر بابل)، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال ۱، شماره ۱، ص ۱-۲۴. بازیابی از: https://urs.ui.ac.ir/article_19934.html

پورطاهری، مهدی؛ سجاسی قیداری، حمداله؛ صادقلو، طاهره (۱۳۹۰): ارزیابی تطبیقی روش‌های رتبه‌بندی تکنیک مخاطرات محیطی در مناطق روستایی استان زنجان، پژوهش‌های روستایی، سال ۲، شماره ۳، ص ۵۴-۳۱. بازیابی از: https://jrur.ut.ac.ir/article_23686.html

جزایری، الناز؛ صمدزاده، رسول؛ حاتم‌نژاد، حسین (۱۳۹۸): ارزیابی ظرفیت تاب‌آوری شهری در برابر خطر زمین لرزه با تأکید بر ابعاد اقتصادی و کالبدی-زیرساختی (مطالعه موردی: منطقه ۱۲ تهران)، فصلنامه آمایش محیط، دوره ۱۲، شماره ۴۵، ص ۱۹۸-۱۸۳. بازیابی از: http://ebtp.malayeriau.ac.ir/article_668123.html

خسروی‌پور، بهمن؛ پورجاوید، سهیلا (۱۳۹۶): واکاوی عوامل مؤثر بر رشد کارآفرینی در کسب و کارهای کوچک (SME) زنان روستایی در شهرستان اسلام‌آباد غرب با استفاده از تکنیک تحلیل محتوا، فصلنامه راهبردهای توسعه روستایی، سال ۴، شماره ۳، ص ۳۱۵-۲۹۹. بازیابی از: http://rdsj.torbath.ac.ir/article_58179.html

خمر، غلامعلی؛ رخشانی، امین‌الله (۱۳۹۴): نقش راهکارهایی مدیریت بحران در جهت کاهش خسارات ناشی از زلزله مطالعه‌ی موردی: شهر خرم‌آباد، فصلنامه جغرافیا و توسعه، دوره ۱۳، شماره ۴۱، ص ۱۶۷-۱۶۰. بازیابی از: https://gdij.usb.ac.ir/article_2233.html

دوستی، افسانه؛ محتاط، نیلوفر؛ اسدیان زرگر، نعیمه (۱۳۹۴): برنامه بازتوانی کالبدی زلزله احتمالی استان تهران و البرز با رویکرد کاهش آسیب‌پذیری در مناطق شهری، فصلنامه دانش پیشگیری و مدیریت بحران، دوره ۵، شماره ۳، ص ۲۱۰-۲۲۰. بازیابی از: <http://dpmk.ir/article-1-24-fa.html>

رنانی، محسن (۱۳۹۶)، سلام بر زندگان زلزله، ۲۸ آبان ماه قابل دسترس در تارنمای رسمی. بازیابی از: <http://www.renani.net/>

زرگر، اکبر؛ اهری، زهرا؛ رازقی، فاتیما (۱۳۹۴): تدوین چارچوبی برای اندازه‌گیری تاب‌آوری یک محله شهری در برابر زلزله نمونه موردی: محله هره ویل، منجیل، گیلان، مجله علمی معماری و شهرسازی صفه، دوره ۲۵، شماره ۲، ص ۸۹-۱۱۸. بازیابی از: https://soffeh.sbu.ac.ir/article_100256.html

سادین، حسین؛ میرزاعلی، محمد؛ کوثری، صفا (۱۳۹۶): تحلیل خطر و خسارات زمین لرزه‌ی سکونتگاه‌های روستایی با استفاده از روش‌های AHP و GIS مطالعه‌ی موردی: دهستان ابرشویده دماوند، فصلنامه مدیریت بحران، دوره ۶، شماره ۱۱، ص ۹۳-۱۰۴. بازیابی از: http://www.joem.ir/article_27893_4558.html

سامیان، مسعود، موحدی، رضا؛ انصاری، الهام (۱۳۹۴): بررسی راهکارهای ایجاد کسب و کارهای خرد روستایی با تأکید بر کارآفرینی روستایی، فصلنامه نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی، دوره ۱۳، شماره ۴۷، ص ۴۱-۳۷. بازیابی از: <https://www.magiran.com/paper/1424604>

سعدی، حشمت‌اله؛ ناظمی، علی اکبر (۱۳۹۴): نقش کسب و کارهای کوچک و خانگی در اقتصاد روستایی، دومین همایش ملی افق‌های نوین در توانمندسازی و توسعه پایدار معماری، عمران و محیط زیست شهری و روستایی، همدان، ص ۹-۱. بازیابی از: <https://civilica.com/doc/407984/>

شمس، مجید؛ معصوم‌پورسماکوش، جعفر؛ سعیدی، شهرام؛ شهبازی، حسین (۱۳۹۰): بررسی مدیریت بحران زلزله در بافت‌های فرسوده شهر کرمانشاه؛ مطالعه موردی: محله فیض آباد، جغرافیایی آمایش محیط، دوره ۴، شماره ۱۳، ص ۴۱-۶۶. بازیابی از: <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=143396>

طاهرخانی، مهدی (۱۳۸۱): صنایع کوچک، سنگ بنای استراتژی آینده توسعه‌ی روستایی، فصلنامه‌ی تحقیقات جغرافیایی، دوره ۱۷، شماره ۳-۲، ص ۱۶۸-۱۵۱. بازیابی از: <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=18367>

عسگری، وحید (۱۳۸۲): آسیب‌پذیری نواحی شهری در برابر بلایای طبیعی در کشورهای در حال توسعه، رفاه اجتماعی، دوره ۳، شماره ۱۱، ص ۴۹-۱۰۰. بازیابی از: https://refahj.uswr.ac.ir/browse.php?a_id=2197&sid=1&slc_lang=fa

عنبری، موسی؛ عرفانی، سامال (۱۳۹۵): بازسازی اجتماعی مناطق جنگ‌زده: روایت شکل‌گیری مجدد اجتماعات هویتی روستایی در سه روستای نژمار، قلاچی و قلعه‌گاه، پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، دوره ۶، شماره ۱، ص ۴۵-۶۱. بازیابی از: https://journals.ut.ac.ir/article_60809.html

فلاحی، علیرضا؛ ارژنگی، سولماز (۱۳۹۳): تداوم کسب‌وکارهای کوچک در طراحی شهری مقاوم پس از زلزله سال ۱۳۸۲ بم، صفه، دوره ۲۴، شماره ۲، ص ۱۱۲-۹۵. بازیابی از: https://soffeh.sbu.ac.ir/article_100235.html

فلاحی، علیرضا؛ جلالی، تارا (۱۳۹۲): بازسازی تاب‌آور از دیدگاه طراحی شهری، پس از زلزله ۱۳۸۲ بم، نشریه هنرهای زیبا معماری و شهرسازی، دوره ۱۸، شماره ۳، ص ۵-۱۶. بازیابی از: https://jfaup.ut.ac.ir/article_51313.html

کردوانی، پرویز، شریفی، صلاح (۱۳۹۱): میزان توسعه‌یافتگی در دهستان‌های شهرستان مریوان: مطالعه موردی بخش مرکزی، روستا و توسعه، سال ۱۵، شماره ۳، ص ۱۱۵-۱۳۰. بازیابی از: <https://www.magiran.com/paper/1092705>

کلانتری، خلیل (۱۳۷۵): صنایع کوچک، نابرابری‌های منطقه‌ای و تجربه کشورهای در حال توسعه، ماهنامه جهاد، دوره ۱۶، شماره ۱۸۸، ص ۶-۱. بازیابی از: <http://ensani.ir/fa/article/249716/>

معاونت پژوهش‌های اقتصادی (۱۳۹۵): موانع محیطی تأسیس و رشد کسب و کارهای خرد در تهران، مطالعات اقتصادی (گروه مطالعات محیط کسب‌وکار)، ۲۳-۱. بازیابی از: <https://rc.majlis.ir/fa/report/show/974087>

ملاشاهی، غلامعباس؛ ظریفیان، شاپور (۱۳۹۴): عوامل مؤثر بر موفقیت کسب و کارهای کوچک و متوسط زراعی و باغی شهرستان زابل. تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران (علوم کشاورزی ایران)، دوره ۴۶، شماره ۴، ص ۷۴۸-۷۳۷. بازیابی از:



- Dahlhamer, J. M., & Tierney, K. J. (1998). Rebounding from disruptive events: Business recovery following the Northridge earthquake. *Sociological Spectrum*, 18(2), 121-141. Retrieved from: <https://doi.org/10.1080/02732173.1998.9982189>
- Environment Canada (EC). (2011). Emergency Management Basics. Retrieved from: <https://www.ec.gc.ca/ouragans-hurricanes/default.asp?lang=En&n=31DADD5-1>
- Geburu, G. H. (2009). Financing preferences of micro and small enterprise owners in Tigray: does POH hold?, *Journal of Small Business and Enterprise Development*, 16(2), 322-334. Retrieved from: <https://doi.org/10.1108/14626000910956083>
- Ghafory, M., (2005). Earthquake Risk Management Strategies: Iranian Experience, Tehran, UNESCO off and International Institute of Earthquake Engineering and Seismology (IIIES), PP. 1-9. Retrieved from: <http://www.iiies.ac.ir/en/earthquake-risk-management-research-center-2/>
- Howe. P. D. (2011). Hurricane preparedness as anticipatory adaptation: A case study of community businesses. *Global Environmental Change*, 21(2), 711-720. Retrieved from: <https://doi.org/10.1016/j.gloenvcha.2011.02.001>
- Liu, Y. (2013). Sustainable competitive advantage in turbulent business environments. *Int. J. Prod. Res*, 51(10), 2821-2841. Retrieved from: <https://doi.org/10.1080/00207543.2012.720392>
- Mileti, D. S. (1999). Disaster by Design: A Reassessment of Natural Hazards in the United States. Joseph Henry Press, Washington, DC.
- Orhan, E. (2014). The role of lifeline losses in business continuity in the case of Adapazari, Turkey. *Environmental Hazards*, 13(4), 298-312. Retrieved from: <https://doi.org/10.1080/17477891.2014.922914>
- Sarmiento, J. P., Hoberman, G., Jerath, M., & Ferreira Jordao, G. (2016). Disaster Risk Management and Business Education: the Case of Small and Medium Enterprises, AD-minister, 28, 73 - 90. Retrieved from: 10.17230/ad-minister.28.4
- Green, R., Miles, S., Gulacsik, G., & Levy, J. (2008). Business Recovery Related to High-Frequency Natural Hazard Events. Quick Response Report, Natural Hazards Center. Retrieved from: <https://www.preventionweb.net/publications/view/16721> (accessed on 28 February 2018).
- Rose A. (2009). A framework for analyzing the total economic impacts of terrorist attacks and natural disasters. *Journal of Homeland Security and Emergency Management*, 6(1): article 9. Retrieved from: <https://doi.org/10.2202/1547-7355.1399>
- Sydnor, S., Niehm, L., Lee, Y., Marshall, M., & Schrank, H. (2017). Analysis of post-disaster damage and disruptive impacts on the operating status of small businesses after Hurricane Katrina. *Nat. Hazards*, 85(3), 1637-1663. Retrieved from: <https://link.springer.com/content/pdf/10.1007/s11069-016-2652-y.pdf>
- https://ijaedr.ut.ac.ir/article_58029.html
- نجفی، بهمن؛ صفا، لیل (۱۳۹۳)؛ بررسی کسب و کارهای خانگی کارآفرینانه و مانع و چالش‌های توسعه آنها در سکونتگاه‌های روستایی، نشریه کارآفرینی در کشاورزی، دوره ۱، شماره ۲، ص ۶۱-۷۳. بازیابی از: https://jead.gau.ac.ir/article_1845.html
- نوروزی، اصغر؛ فراهادی، مریم (۱۳۹۶)؛ سنجش آسیب‌پذیری و برنامه‌ریزی راهبردی مدیریت بحران (زلزله) در نواحی روستایی (مطالعه‌ی موردی: شهرستان شهرکرد)، فصلنامه مدیریت بحران، دوره ۶، شماره ۱، ص ۳۱-۴۵. بازیابی از: http://www.joem.ir/article_27882.html
- ولائی، محمد؛ کریم زاده، حسین؛ منافی آذر، رضا. (۱۳۹۷). تحلیل موانع توسعه کسب و کارهای خرد در نواحی روستایی شهرستان میاندوآب. *اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، دوره ۷، شماره ۲۵، ص ۱۸۳-۲۰۸. بازیابی از: <https://serd.khu.ac.ir/article-1-3161-fa.html>
- Ahmad, S. Z., Abdul Rani, N. S., & Mohd Kassim, S. K. (2010). Business challenges and strategies for development of small-and medium-sized enterprises (SMEs) in Malaysia. *International Journal of Business Competition and Growth*, 1(2), 177-197. Retrieved from: <https://www.inderscienceonline.com/doi/abs/10.1504/IJBCG.2010.034168>
- Alesch, D. J., Holly, J. N., Mittler, E., & Nagy, R. (2001). Organizations at risk: what happens when small businesses and not-for-profits encounter natural disasters. Small Organizations Natural Hazards Project First Year Technical Report, Public Entity Risk Institute, Fairfax, VA.
- Asgary, A., Anjum, M. I., & Azimi, N. (2012). Disaster recovery and business continuity after the 2010 flood in Pakistan: Case of small businesses. *International Journal of Disaster Risk Reduction*, 2, 46-56. Retrieved from: <https://doi.org/10.1016/j.ijdrr.2012.08.001>
- Asgary, A., Azimi, N., & Anjum, M. I. (2013). Measuring small businesses disaster resiliency: case of small businesses impacted by the 2010 flood in Pakistan, *International Journal of Business Continuity and Risk Management*, 4 (2), 170-187. Retrieved from: <https://doi.org/10.1504/IJBCRM.2013.056350>
- Asgary, A., & Sadeghi Naini, A. (2011). Modeling the Adaptation OF Business Continuity Planing by Business Using Neural Networks. *Intellegent Systems in Accounting, Finance and Management*, 18(2-3), 89-104. Retrieved from: <https://doi.org/10.1002/isaf.326>
- Badri, S. A., Asgary, A., Eftekhari, A. R., & Levy, J. (2006). Post-disaster resettlement, development and change: a case study of the 1990 Manjil earthquake in Iran, *Disasters*, 30(4): 451-468. Retrieved from: <https://doi.org/10.1111/j.0361-3666.2006.00332.x>
- Berke, P. h. R. (1995). Natural-hazard reduction and sustainable development: A global assessment. *Journal of Planning Literature*, 9(4), 370-375. Retrieved from: <https://doi.org/10.1177/088541229500900404>



- structural seismic preparedness of southern California hospitals. *Earthquake Spectra*, 17(1), 153–171. Retrieved from: <https://doi.org/10.1193/1.1586170>
- Yoshida, K., & Deyle, R. E. (2005). Determinants of small business hazard mitigation. *Natural Hazards Review*, 6(1):1–12. Retrieved from: [https://doi.org/10.1061/\(ASCE\)1527-33\(1\), 38–57](https://doi.org/10.1061/(ASCE)1527-33(1), 38–57). Retrieved from: <https://doi.org/10.1111/j.1467-7717.2008.01061.x>
- Zhang, Y., Lindell, M. K., Prater, C. S. (2009). Vulnerability of community businesses to environmental disasters. *Disasters*, 33(1), 38–57. Retrieved from: <https://doi.org/10.1111/j.1467-7717.2008.01061.x>
- Tierney, K. J., & Webb, G. R. (2001). Business vulnerability to earthquakes and other disasters (Preliminary Paper No. 320). Newark: Disaster Research Center, University of Delaware. Retrieved from: <http://udspace.udel.edu/handle/19716/729>
- Webb, G. R., Tierney, K. J., & Dahlhamer, J. M. (2002). Predicting long-term business recovery from disaster: A comparison of the Loma Prieta earthquake and Hurricane Andrew. *Environmental Hazards*, 4(2), 45–58. Retrieved from: <https://doi.org/10.3763/ehaz.2002.0405>
- Whitney, D. J., Dickerson, A., & Lindell, M. K. (2001). Non-